هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان و مال جهاد کردند محققاً آنان را به راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

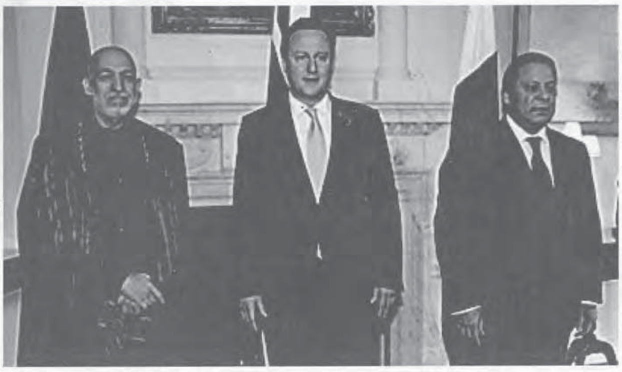
دور ششم –سال دوازدهم – شمارهٔ سی ام ۱۱ عقرب ۱۳۹۲ ۲۸ ذوالحجه الحرام ۱۴۳۴ - 2 Nov 2013



اجازه ندهید بیش از این جنگ و برادر کُشی در کشور ادامه یابد، مساجد و مدارس منفجر و علمای دینی و فرماندهان جهاد شهید شوند. باید همه دست بدست هم داده، به این صحنه های دردانگیز و خونین خاتمه بدهیم.

از سخنان رهبر شهید

نشستند و گفتند و برخاستند!



□ وحید مژده

رئیس جمهور کرزی برای شرکت در نشست سه جانبه میان افغانستان، پاکستان و انگلستان هفتهٔ گذشته عازم لندن شد. این نشست با مجمع اقتصادی اسلامی همزمان بود و فرصتی بود تا حامدکرزی با نماینده گان بعضی از کشور های شرکت کننده در آن نشست نیز دیدار داشته باشد.

نشست های سه جانبه میان سه کشور در حقیقت نشست دوجانبه میان افغانستان و پاکستان است که با وساطت انگلستان صورت می گیرد و برای اینکه نقش میانجیگرانهٔ انگلستان به اختلاف میان پاکستان و افغانستان تعبیر نشود، این نشست ها را سه جانبه خوانده اند.

نشست های سمبولیک:

نخستین دور این سلسله نشست ها به ابتکار انگلستان زمانی برگزار گردید که روابط میان افغانستان و پاکستان بشدت تیره شد و انگلستان تلاش نمود تا با میانجیگری خویش، روابط میان دو کشور همسایه را سر و سامان دهد.

حامد کرزی در این سفر پنج روزه فرصت یافت تا در مجمع اقتصادی جهان اسلام شرکت کند و در دانشگاه اکسفورد سخنرانی نموده و از اکادیمی نظامی سنت هرست نیز بازدید بعمل آورد. انگلستان در افغانستان نیز اکادیمی نظامی ساخته است که گفته می شد نظامیان افغان را به معیار های سنت هرست آموزش خواهد داد.

در این نشست ها معمولاً طرفین به دوام مبارزه علیه تروریسم و تلاش در جهت تامین صلح در افغانستان تاکید می نمایند ولی وقتی به کشور های شان برگشتند، مسایل توافق شده مورد پیگیری قرار نمی گیرد. در سومین نشست از این دست، آصف علی زرداری

ص۲



بزرگداشت از حماسه آفرینی ملی پوشان کرکت در ولایت بلخ

از قهرمانی و راهیابی تیم ملی کرکت کشور به مسابقات جهانی ۲۰۱۵، طی همایش باشکوهی در شهر مزارشریف تجلیل به عمل آمد.

سترجنرال عطا محمد نور، والی بلخ و رئیس عمومی شورای اجرائیوی جمعیت اسلامی افغانستان، در تالار مقام ولایت بلخ میزبان ملی پوشان کرکت کشور بود. این دعوت ویژه در پیوند به راهیابی تیم ملی کرکت افغانستان به مسابقات ۲۰۱۵ در استرالیا برگزار شد.

بازیکنان تیم ملی کرکت کشور را یک هیئت بلند رتبهٔ دولتی که در راس آن شهزاده مسعود وزیر مشاور و رئیس کرکت بورد افغانستان، قرار داشت همراهی می کرد.

در این مراسم با شکوه قاضی گل رحمن رئیس کمیسیون نظارت بر تطبیق قانون اساسی، معین های وزارت دفاع و کار و امور اجتماعی، نماینده های شورای ملی، رئیس و اعضای شورای ولایتی، کارمندان دولتی، استادان، روزنامه نگاران و ورزشکاران نیز حضور داشتند. عده ای از ورزشکاران پسر و دختر هم با آراستن سر و صورت شان با پرچم سه رنگ افغانستان از ورود ورزشکاران استقبال کردند و قبل از آغاز رسمی مراسم، در سالن فقط یک صدا طنین انداز بود "پیروزی از آن ماست"!

در یک سخنرانی هیجانی که با کف زدن های حاضرین در تالار همراهی می شد، سترجنرال عطا محمد نور ضمن تقدیر از پیروزی و حماسه آفرینی این بازیکنان گفت: "ورزشکاران ما یکبار دیگر ثابت کردند که با ورزش می توانند برای کشورمان افتخار بیافرینند. ملی پوشان کرکت ما واقعاً تیم جادویی هستند و ما به وجود شان افتخار می کنیم."

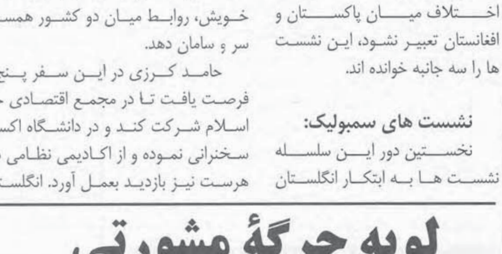
آقای نور اظهار امیدواری کرد که پیروزی در مسابقات ۲۰۱۵ استرالیا از آن تیم ملی کرکت افغانستان خواهد بود.

والی بلخ همچنین به کارنامه های درخشان تیم ملی کرکت اشاره کرده و گفت، رسیدن سریع این تیم به سکوی پیروزی باعث تعجب خیلی ها گردیده و برای همین بیجا نیست اگر اینها را بازیکنان جادویی صدا بزنیم.

در همین مراسم، آقای شهزاده مسعود ضمن قدردانی از لطف و مهربانی سترجنرال عطا محمد نور به خاطر پذیرایی گرم از ورزشکاران اظهار داشت که برگزاری این مراسم شان دار خود نمایانگر اتحاد و همبستگی میان افغان هاست.

ص۴

لویه جرگهٔ مشورتی
و ضرورت لزوم آن در هاله یی از تردید و مخالفت ها



◇ تکساری

در هاله یی از تردید ها، پیمان استراتیژیک میان امریکا و افغانستان که دو سال قبل از سوی پارلمان کشور تائید شده بود، پیمان امنیتی را نیز شامل بوده است و نظر به مفاد این پیمان استراتیژیک می بایست ظرف یک سال گذشته پیمان امنیتی که در چوکات این پیمان استراتیژیک وجود دارد، از سوی حکومت طرح و از مجاری قانونی آن که همان پارلمان کشور است، طی مراحل می گردید. طوریکه گفته می شود تنها مورد مناقشه در این پیمان امنیتی موضوع حاکمیت قضایی سربازان امریکایی است و به منظور حل این معضل جرگهٔ مشورتی فراخوانده می شود.

ص۲

برای پنج وزارتخانه سرپرست تعیین شد

روز سه شنبه ۷ عقرب حامد کرزی رئیس جمهور برای پنج وزارت خانه سرپرست تعیین کرد. رفیع فردوس سخنگوی ادارهٔ امور ریاست جمهوری در تماس با رسانه ها گفت: ضرار احمد مقبل عثمانی سرپرست وزارت خارجه، محمد عارف نورزی سرپرست وزارت انرژی و آب، محمد اکبر بارکزی سرپرست وزارت معادن و صنایع، دین محمد مبارز راشد سرپرست وزارت مبارزه با مواد مخدر و شاکر کارگر سرپرست وزارت تجارت شده اند. وی تصریح کرد که وزارت امور پارلمانی به معرفی آنها به مجلس نمایندگان برای گرفتن رأی اعتماد اقدام می کند.

این تعیینات پس از آن صورت گرفته که برخی از چهره های دولتی چندی پیش به منظور اشتراک در انتخابات به حیث کاندیدان پست ریاست جمهوری و یا معاونت از مقام خود استعفا داده بودند.

زلمی رسول وزیر پیشین خارجه، انوارالحق احدی وزیر پیشین تجارت برای نامزدی ریاست جمهوری، امیر صاحب اسماعیل خان برای معاونیت استاد عبدالرب رسول سیاف و عنایت الله شهرانی وزیر پیشین معادن برای معاونیت قیوم کرزی برای نامزد انتخابات آینده ریاست جمهوری استعفا دادند. اما بیایید ببنیم که این آقایان سرپرست سابقه کار را در پست های مختلف طی سالیان اخیر با حکومت آقای کرزی دارند. اما برخی از کارشناسان می گویند که این جا بجایی ها بر بنیاد تخصص صورت نگرفته، بلکه بازهم آقای کرزی در آخرین ماه های اقتدار خود از مصلحت کار گرفته و افراد را به این سمت ها گماشته است.

خواهان وضاحت علنی استیم ص۲

در کنار برج عزت افغانستان! ص۳

فصل سرما و ضرورت توجهٔ بیشتر دولت به مشکلات مردم ص۴

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: شهید استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس:وزیر محمد اکبرخان سرک۱۵کوچه B5خانه نمبر۲۶۲
شمارهٔ تلفن:۰۷۸۸۴۰۸۶۳۵/ ۰۷۷۲۰۳۶۴۱۲
Website: www.mujahedweekly.com
E-mail: Mujahid1357@Yahoo&hotmail.com

سرمقاله

خواهان وضاحت علنی استیم

رحمت الله نبیل سرپرست ادارهٔ امنیت ملی کشور روز سه شنبه ۳۰ میزان سال جاری که برای توضیح دهی در مورد شرایط بد امنیتی به مشرانو جرگه - مجلس سنا- فراخوانده شده بود، اعلام کرد: کسانی را که در توطیهٔ ترور استاد برهان الدین ربانی، دست داشته و یا غفلت کرده اند را شناسایی کرده اند.

بنا به گفتهٔ آقای نبیل، ادارهٔ امنیت ملی فهرست افرادی را در اختیار دارد که در پروندهٔ ترور شهید صلح استاد ربانی به نحوی دخیل بوده اند و اگر مجلس نمایندگان خواستار افشای این فهرست باشد، این اداره آمادهٔ ارائهٔ جزئیات در این مورد است، تا بدانند این پرونده در چه مرحلهٔ قرار دارد.

همچنان هیئتی از ادارهٔ امنیت ملی کشور در سفر شان به کشور پاکستان، اطلاعات را با طرف های پاکستانی شریک ساخته اند و مشخص شده است که در داخل افغانستان چه کسانی در این توطئه دخالت داشته اند.

شام ۲۹ سنبلهٔ ۱۳۹۰ رهبر معظم جهاد و مقاومت پروفیسور برهان الدین ربانی در اثر توطیهٔ که تا هنوز در هالهٔ از ابهام باقی مانده است، توسط شخص انتحاری به نام پیام آور صلح در اقامتگاه شان جام شهادت نوشیدند. با تأسف، دولت در پیگیری پروندهٔ شهید صلح، مؤفق نبوده و یا ارادهٔ وجود نداشته است که اطلاعات قناعت بخش تا حال ارائه نشده است.

در حالی که موضوع پیگیری پرونده شهادت استاد شهید در سطح منطقه مطرح شد و هیئتی جهت دریافت اطلاعات بیشتر و همکاری پاکستان در زمینه، به آن کشور سفر کرد، اما نتایج آن روی هر ملحوظی افشاء ناشده باقی مانده است.

جمعیت اسلامی افغانستان پیوسته تأکید نموده است و بار دیگر اصرار می ورزد تا موضوع پروندهٔ رهبر فقید جمعیت اسلامی به صورت جدی پیگیری گردد. اینکه اینبار ارگان معتبر امنیتی کشور از شناسایی عاملان به شهادت رسانیدن رهبر معظم جهاد و مقاومت خبر داده است، استقبال می نماید، اما خواهان آنست تا در مورد وضاحت علنی ارائه گردد و عاملان آن محاکمه شود.

جمعیت اسلامی بار دیگر مجدانه از دولت و ارگان های امنیتی کشور می طلبد، تا عاملان به شهادت رسانیدن شهید صلح و تعدادی از فرماندهان و افراد کلیدی دوره های افتخار آفرین جهاد و مقاومت و متنفذین قومی را شناسایی و به پنجهٔ قانون بسپارد. در صورت عدم پیگیری و کتمان آن، دشمنان را بیشتر از پیش دلیرتر و دوستان را نسبت به حاکمیت بی باور خواهد ساخت که به یقین به سود ثبات در کشور نخواهد بود.

نشستند و گفتند و برخاستند!

ادامه از صفحهٔ اول

رئیس جمهور پاکستان وعده سپرد که تلاش خواهد کرد تا در مدت شش ماه طالبان افغان را به مذاکره با حکومت افغانستان آماده سازد اما این کار تحقق نیافت.

وعده های بزرگتر از توان:

شکی نیست که نقش پاکستان در به میان آوردن طالبان و کمک به آنان قبل از سال ۲۰۰۱ بسیار مهم بود اما این نکته را نباید فراموش کرد که این برنامه را انگلیس ها بمیان آوردند تا توسط آنان اسلحه را جمع آوری نموده و به جنگ میان تنظیم ها در افغانستان پایان دهند اما بزودی طالبان نیز بخشی از جنگ و نا امنی های افغانستان شدند و علی الرغم اینکه بخش بزرگی از افغانستان را هم زیر کنترول خود درآوردند، اما از مذاکره و تفاهم با مخالفین شان ابا ورزیدند.

واقعهٔ یازدهم سپتامبر تغییر عمده ای در رابطه میان پاکستان و طالبان به میان آورد. پاکستان نه تنها در حمله به افغانستان و سرنگونی نظام طالبان به امریکا کمک کرد بلکه، هزاران تن از طالبان در پاکستان دستگیر و عده ای هم به امریکائی ها تحویل داده شدند. تحولات بعد از یازدهم سپتامبر نقش پاکستان و گروه های مذهبی این کشور را در میان طالبان افغان تضعیف نمود بخصوص بعد از ظهور طالبان پاکستانی و جنگ آنان علیه فوج پاکستان، وضع برای پاکستان پیچیده تر شد. اما مقامات پاکستانی نمی خواستند به این امر اعتراف کنند بخصوص که نشان دادن قدرت و نفوذ در صف طالبان، برای پاکستان وسیله ای برای باج گیری از امریکا نیز به شمار می آمد. به همین دلیل پاکستان در هر نشست به جانب افغانی وعده می داد که طالبان را به مذاکره با حکومت افغانستان وادار خواهد ساخت اما وقتی در عمل کاری انجام نمی داد، جانب افغانی مدعی می شد که پاکستان در وعده های خود صداقت ندارد. در نتیجه این سیاست از جانب پاکستان، انتظارات حکومت افغانستان از پاکستان برای تامین صلح در افغانستان بیشتر از توان حقیقی پاکستان افزایش یافت.

در آخرین نشست سوم سه جانبه که در اوایل سال میلادی جاری صورت گرفت، پاکستان وعده سپرد که در مدت شش ماه طالبان را به مذاکره با حکومت افغانستان وادار خواهد ساخت اما در طول این مدت هیچ قدمی در راستای صلح برداشته نشد.

پیش شرط ها:

یکی از نشانه های روشن به عمل درنیامدن وعده ها از جانب پاکستان، پیش شرط هائی است که معمولاً در این نشست ها از جانب پاکستان مطرح می شود تا ناتوانی و یا عدم صداقت این کشور توجیه گردد. در نشست گذشته پاکستان از افغانستان تقاضا داشت تا قرارداد استراتژیک را با این کشور امضا نماید. جانب افغانی امضای این قرارداد را به حمایت عملی از پروسهٔ صلح از جانب پاکستان وابسته دانست. در نتیجه نه پاکستان به تعهد خود برای کمک به پروسهٔ صلح عمل کرد و نه این قرارداد امضا شد. این بار نیز جانب پاکستان به ضرورت یک سیستم نظارتی برای کنترول مناطق سرحدی در طول خط دیورند تاکید نموده است تا از عبور و مرور جنگجویان به خاک دوکشور جلوگیری گردد. پاکستان بخوبی می داند که افغانستان از چنین امکانات برخوردار نیست و بنابراین، چنین پیش شرطی می تواند بهانه ای باشد تا در آیندهٔ پاکستان مدعی گردد که حکومت افغانستان در کنترول مرز کاری نکرده و بنابراین رفت و آمد جنگجویان را نباید تجاوز یا مداخله از جانب پاکستان بشمار آورد. از طرف دیگر کنترول سیستم نظارتی در امتداد خط دیورند در ابتدا نیاز به تثبیت این خط دارد. کاری که افغانستان در شرایط فعلی قادر به انجام آن نیست. بنابراین در نشست پنجم در آینده، پاکستان عدم همکاری خود در پروسهٔ صلح را ناشی از عدم همکاری افغانستان در زمینهٔ کنترول سرحد خواهد خواند.

مسئلهٔ ملابرادر:

حامدکرزی حق بزرگی بر گردن ملابرادر دارد. تاکید های او برای آزادی ملابرادر موجب شد تا پاکستانی ها مجبور شدند تا او را زنده نگهدارند در غیرآن هیچ امیدی به زنده ماندن وی نبود.

در سفر حامدکرزی به پاکستان، موضوع آزادی ملابرادر بعنوان گامی در جهت صلح مطرح شد و پاکستانی ها وعده دادند تا وی را آزاد سازند. سرانجام رسانه های پاکستان از آزادی وی خبر دادند اما طالبان این خبر را رد کردند.

به نظر می رسید که مقامات پاکستانی ملابرادر را از زندان کراچی آزاد کردند اما وی را همچنان تحت نظر نگه داشتند. هیچکس از آدرس وی اطلاعی ندارد و گفته شده که یکبار مقامات پاکستانی تلاش نمودند تا از وی بعنوان میانجی در مذاکرات میان دولت پاکستان و طالبان آنکشور در وزیرستان استفاده کنند اما وی از این کار ابا ورزید و به همین دلیل وی را همچنان تحت نظر دارند. در نشست سه جانبه، پاکستان پذیرفت تا یک هیئت از شورای عالی صلح با ملابرادر ملاقات نموده و از وی بخواهد تا در پروسهٔ صلح در افغانستان سهم بگیرد. چون حکومت افغانستان از قبل گفته است که ملابرادر را پاکستانی ها به دلیل رابطهٔ وی با حکومت افغانستان دستگیر کرده اند. اگر ملابرادر در ملاقات با هیئت شورای عالی صلح، خواست این شورا را رد نماید، احتمال دارد تا حکومت افغانستان دیگر روی آزادی وی پافشاری نکند و شاید وی همچنان در بند پاکستان باقی بماند. در این صورت یگانه دست آورد مهم که برای این نشست سه جانبه از جانب افغانستان در نظر گرفته شده بود، نیز تحقق نیابد و این نشست نیز مانند نشست های قبلی، فقط در حد «نشستند و گفتند و برخاستند» باقی بماند.

لویه جرگهٔ مشورتی...

در مورد تدویر این جرگه مخالفت های شدیدی در داخل پارلمان، در میان نخبگان، احزاب سیاسی، نهاد های جامعهٔ مدنی و عامه مردم وجود دارد و صدای مخالف تدویر این جرگه حاضر نیستند تا هزینهٔ هنگفتی را صرف این جرگه نام نهاد سازند؛ در حالی که افغانستان به چنین هزینهٔ اضافی نیاز شدید دارد. رئیس کمیسیون تدویر برگزاری این جرگه مشورتی، این جرگه را غیر ضروری خواند و در روز های اخیر معاون کمیسیون برگزاری این این جرگه مشورتی نیز از سمت معاونیت این جرگه استعفاء داد و این جرگه را مداخلهٔ در کار پارلمان کشور خواند.

دوازده سال از حضور نظامیان خارجی، در رأس ایالات متحدهٔ امریکا در افغانستان می گذرد. در این سال ها تلاش هایی در جهت تقویهٔ نیرو های امنیتی هر چند صورت گرفته است، اما رشد این نیرو ها در افغانستان مطابق و متناسب با تهدید های بلند امنیتی در کشور نمی باشد. امروز شهر کابل چهرهٔ اصلی خود را از دست داده و به یک قلعهٔ نظامی تبدیل شده است. راه های ورود به وزارت خانه ها بروی مردم بسته شده است و شکل یک دژ محکم نظامی را بخود گرفته است. اطراف خانه های مسوولان دولتی، مراکز سیاسی و دیپلماتیک با حصار های محکم سنگی و کانکریتی مسدود شده است، حتی در دانشگاه؛ به ویژه دانشگاه کابل به طور مستمر موتر های پولیس در حال گشت زنی است و در مجموع شهر های بزرگ افغانستان رنگ و بوی نظامی بخود گرفته است. دیگر امضای توافقنامه امنیتی میان امریکا و افغانستان به یک ضرورت محسوس تبدیل گردیده است. در شرایط حساس و تاریخی کشور بحث بر سر امضای قرار داد امنیتی در موجودیت پارلمان نیاز به فراخوانی جرگهٔ مشورتی ندارد. رئیس جمهور می تواند این بحث را به پارلمان کشور احاله نماید.

گفته می شود که رئیس دولت بحث چانه زنی های خود را تا آستانهٔ این جرگهٔ مشورتی ادامه خواهد داد. این جرگه شاهد اهداف نهفته یی دیگر خواهد بود. یک نوع تناقص گویی میان سخنان رئیس جمهور و مواضع نوسان امریکا وجود دارد که مناسبات افغانستان و امریکا تا هنوز نهادینه نشده است. ایالات متحدهٔ امریکا به تعهدات خود بطور کامل عمل ننموده است. به سخن دیگر تا هنوز اردوی افغانستان نظر به تعهدات امریکا رشد کیفی نه نموده است و اردوی کشور فاقد قوت های مجهز هوایی است، در قطعات اردو کمبود سلاح های ثقیله وجود دارد، امنیت به کشور باز نگردیده و در زمینه رشد بشری کمبودی هایی فراوان دیده می شود. به هر صورت افغانستان به همکاری های جامعهٔ جهانی؛ به ویژه امریکا پس از سال ۲۰۱۴ نیاز دارد. بدون کمک های مالی، امنیتی و سیاسی، افغانستان قادر نیست پس از امسال حتی به وظایف روتین خود بپردازد. در نبود یک همکاری جهانی افغانستان پس از سال ۲۰۱۴ به احتمال قوی مورد دستبرد جناح های رادیکال قدرت قرار خواهد گرفت. مشکل پیمان امنیتی میان ایالات متحدهٔ امریکا و افغانستان، موضوع مصونیت قضایی سر بازان امریکایی پس از خروج آنها از افغانستان می باشد و امریکا تا هنوز حاضر نگردیده است که در صورت جرم سربازان این کشور از طریق محاکم افغانستان مورد بازپرس قرار گیرند و این موضوع جرگهٔ مشورتی سه هزار نفری را به گفتهٔ مسوولان کمیسیون این همایش در شهر کابل فرا خوانده است و قرار است این جرگه در هفتهٔ اخیر ماه عقرب امسال تدویر گردد و آماده گی های لازم روی دست گرفته شده است.

تصمیم حکومت برای برگزاری این لویه جرگهٔ مشورتی، انتقاد های تند برخی از جریان های سیاسی را در پی داشته است. این جریان های می گویند که ممکن است رئیس جمهور کشور بحث به تاخیر انداختن انتخابات ریاست جمهوری آینده و تمدید دوره کاری اش را نیز مطرح نماید. به هر صورت مسوولان و برگزار کننده گان این جرگه، آجندای این جرگه را بحث پیمان امنیتی میان افغانستان و امریکا می خوانند و بس. بدون تردید حضور سه هزار تن و یا بیشتر از آن در خیمهٔ لویه جرگه از یک طرف جریان دروس دانشجویان را برهم زده است و از سوی دیگر نتایج ملموسی این جرگه در آستین ندارد، زیرا بحث پیمان امنیتی که دو سال قبل از طریق لویه جرگه پیمان استراتیژیک میان افغانستان و امریکا که به تائید پارلمان نیز رسیده بود و بحث دوباره آن در چنین شرایطی لزومی نخواهد داشت و گمانه زنی های زیادی وجود دارد که از این لویه جرگه استفاده سیاسی دیگر نیز صورت گیرد.



در کنار برج عزت افغانستان!

فقیری

برای من جای افتخار و سربلندی است که در کنار برج عزت ایستاده ام و بخشی از عمر خویش را در کنار او گذرانیده، از صحبت ها، آموزه ها و عملکرد آن شهید بزرگوار، روش زندگی خویش را روشن کرده ام و در پرتو تعلیمات زندگی ساز اسلام و رهنمایی مدبرانۀ آن استاد شهید، آموخته و اندوخته ام... شاید تعداد دیگری از برادران و از خواهران، در کنار آن بزرگمرد عکس گرفته باشند ولی درس ها و تربیت درست او بود که راه سیاسی زندگی ما را هدایت و رهبری نمود... چه بجا و به مورد استاد سیاف، از رهبران معظم جهاد، شهید صلح و رهبر جهاد و مقاومت را برج عزت افغانستان خواند و برجستگی شخصیت آن نامدار را در این سه کلمه خلاصه نمود:

برج عزت افغانستان!

ویژگی های برج افغانستان از شمار بیرون است ولی می توان آن را به طور خلاصه و فشرده در پنج مورد کوتاه کرد. برابر با معیار های پذیرفته شده در دنیا و به ویژه در کشور ما، پنج مورد به قرار زیر فهرست می شود:

۱- علم و دانش: در مورد علم دین و فراگیری این علم تا سطح الازهر از ویژگی های برجسته و ماندگار رهبر شهید است. می دانیم که همۀ مسلمانان و بخصوص مردم ما به علم دین و عالم اسلامی، احترام زیاد دارند. در مورد شخصیت علمی رهبر شهید، حتی کسانی که بر روش های سیاسی او نقد همه کرده اند، اتفاق دارند و بارها این شخصیت، مورد تایید قرار گرفته است...

در تاریخ سرزمین ما، رهبر شهید، نخستین عالم دینی و سیاسی جامعه است که به مسند ریاست جمهوری رسیده و مردم به او اعتماد کرده اند! هیچ پادشاه یا زعیم دیگر، در تاریخ کشور را سراغ نداریم که به این مرتبۀ بزرگ دینی و سیاسی رسیده باشد، پس علم دین و سیاست از قله های روشن و نامدار برج عزت افغانستان است.

۲- نهضت و جمعیت اسلامی: راه رهبر شهید در کنار شخصیت های بزرگ و شهید، بنیان گذاشت و نخستین رهبر این حزب سیاسی شد... در مورد جمعیت اسلامی و شاخه های مرتبط و منشعب از آن و نقشی که این حزب در برابر استبداد داخلی و مداخله و تجاوز خارجی انجام داد و کشور فروخته شده به استعمار سرخ را به نیروی ایمان و خون های پاک صدها هزار شهید، نجات داد و آزادی و استقلال را دوباره به کشور ما باز گرداند و... – داستان بس دراز و المناکی است که هزاران کتاب، نشریه، فلم و کست ها از آن موجود است و جهان را از شر کمونیسم جنایتکار و امپریالیسم جهانخوار شوروی سابق رهانیده است...

رهبر شهید، در آخرین سال های دروان سلطنت، در جلسۀ خصوصی پیشگامان نهضت، و با اشاره و تایید شهید پوهاند غلام محمد نیازی، رئیس فاکولته شرعیات دانشگاه کابل، به حیث رهبر انتخاب شد و محترم استاد عبدرب الرسول سیاف استاد دانشکدۀ شرعیات به حیث معاون جمعیت و شهید انجنیر حبیب الرحمن محصل پولی تخنیک به حیث منشی آن برگزیده شدند...

به تایید همه، جمعیت اسلامی، بزرگترین حزب سیاسی و مردمدار افغانستان بوده و است که رهبری جهاد را به عهده داشت و حتی از نظر مخالفان نیز دومین حزب و تنظیم جهادی کشور ما است که در اولین و دومین بودن این حزب در طول جهاد، اتفاق همه وجود دارد....

همچنین، جمعیت اسلامی به حیث ستون اصلی نظام دولت اسلامی افغانستان، بزرگترین و یگانه حزب قومی دوران مقاومت افغانستان در برابر تروریست ها و خارجی ها بوده است...

پس رهبری بزرگترین حزب سیاسی و مردمدار جامعۀ افغانی، با آن همه ارشادات ها، قهرمانی ها و صدها هزار شهید در راه خدا و نجات مردم ما از خصوصیات بزرگ، برج عزت افغانستان است که بایستی به آن احترام گذاشت!

۳- قیادت و زعامت جمعیت: در آغاز، جمعیت اسلامی، یک جریان فکری و سیاسی بود که هرگز به قوای مسلح دسترسی حزبی نداشت و ساحۀ کار آن فقط در بخش های فرهنگی و فکری و سیاسی بود...

درست است که جمعیت با افسران و صاحب منصبان اردو نیز تماس هایی داشت ولی هرگز این تماس ها به منظور ایجاد شاخه های نظامی نبود بلکه، آنعده از صاحب منصبان که احساسات قوی اسلامی داشتند و خود شان مایل بودند تا با صفوف جمعیت رابطه پیداکنند و خود را همراه و همگام با این حرکت توفندۀ اسلامی در کشور قهرمانان سازند، کشوری که سیل حوادث و طوفان های تباه کن الحادی و کفری از هر سو و بخصوص از شرق و غرب کشور را احاطه کرده بود و هویت و تشخیص اسلامی افغانستان را با خطر تباه کن روبرو ساخته بود... جمعیت هرگز، در فکر کودتا و بر اندازی نظام ها از طریق زور نبود... مگر زمانی که کمونیست ها شب و روز در تلاش بودند تا با رخنه در اردو، قدرت سیاسی را در مرحلۀ اول در دولت داوود خان بدست گیرند و راه برای تصاحب و عقب قدرت سیاسی هموار سازند...

در این هنگام بود که برخی از افراد جمعیت نیز به فکر ایجاد شاخه های نظامی شدند که این خود یکی از اختلافات درونی جمعیت در آن سال ها است که بالاخره به انشعاب در جمعیت و جدایی بخش بزرگی از جمعیت تحت رهبری آقای حکمتیار شد...

سیاست داخلی جمعیت، همواره یک سیاست فکری و فرهنگی و باز بودن همه راه ها به سوی جمعیت بود و با هر اقدام زور و خشونت، مقابله می کرد...

جمعیت به همه افغان ها، راه ها را باز گذاشته بود و هرگز از تند روی، درشتی و انعطاف ناپذیری سخن نمی گفت... جمعیت به همه افغان ها و همه هموطنان تعلق داشت و راه درست و مسالمت آمیز را برای جذب و جلب خواهران و برادران هموار می ساخت و چنان شیوه ای را در پیش نمی گرفت که گویا راه ما بسیار تنگ و دشوار است و هرکس توان آن را ندارد که با ما همراهی کند... این سیاست های مدبرانۀ رهبری جمعیت حتی برخی از جمعیتی ها را نیز نگران ساخته بود و انعطاف و نرمش زیاد رهبری را مفید نمی دانستند و آرزوی قاطعیت را داشتند...

رهبری جمعیت، همیشه به ما توصیه می کرد که راه دعوت اسلامی، راه درست و راه تالیف قلوب است... راه پیامبر، راه نزدیکی مردم با او بوَد و خدای بزرگ فرموده است که هرگاه رحیم و مهربان نبودی، مردم به درشتی از نزد تو دور می شدند و کسی را با خود نمی داشته باشی!... پس راه جمعیت، راه پیامبر است و مردم باید به سوی راه خدا و راه پیامبر دعوت شوند و طریق احسن و خوب برای دعوت دیگران، راه و دعوت پیامبر است...

و اما قاطعیت: در برابر دشمنان خدا و رسول خدا و دشمنان قسم خوردۀ ملت ما که جز زور و سر نیزه و سرکوب و کشتار بدون محاکمه و بدون حق دفاع و بدون در نظرداشت ساده ترین حقوق بشر، همه به جان مردم افتاده و آدمکشان و جلادان خارجی را در کشتار مردم ما کمک و یاری می کنند... مقابله در برابر آنان فقط مطابق حکم خدا، جنگیدن و قاطعیت است... این ها باید زده شوند، سرکوب گردند و دست و گردن های شان باید در برابر مظلومان و مستضعفان، بریده شود تا حکم خدا در مورد مظلومان و محکومان به دفاع، عملی گردد...

رهبری جمعیت، بدون شک که به اتفاق همگان یک شخصیت حلیم و انعطاف پذیر بود، او بود که بیشتر از دیگران در مورد آیندۀ کشور نگران بود... او بود که از جنگ و درگیری میان مجاهدین و کمونیست ها در بعد از پیروزی جهاد بیم ها داشت و مبتکر عفو عمومی بود... او بود که قبل از پیروزی جهاد، صدای عفو عمومی را بلند کرد و از همه مجاهدین خواست تا به صحنه های در گیری در بعد از پیروزی جهاد، پایان بدهند...

گرچه بعضی ها و از جمله جمعیتی ها متحیر بودند که چگونه می توان یا قاتلان مردم صلح نمود و چگونه جنایتکاران جنگی و ناقصان حقوق بشر را از چنگ قانون رهایی داد و...

اما سرانجام عفو عمومی توسط همه رهبران جهاد اعلام شد و کمونیست ها و یاران شان، نفسی به راحت کشیدند...

این درایت و رهبری بزرگ، از عظمت و بزرگی دیگر برج عزت افغانستان است.

۴-انتقال مسالمت آمیز قدرت: رهبری جهاد و مقاومت، برخلاف حوادث و جریانات سیاسی کشور در بیش از دوصد سال گذشته، با وجود آنکه رئیس جمهور قانونی و منتخب مردم بود، در حالی که پُست ریاست جمهوری را و نمایندگی های سیاسی و قُنسلی افغانستان را در خارج، به عهده داشت، و در حالی که بزرگترین عالم دینی و سیاسی کشور و رهبر بزرگترین حزب سیاسی کشور بود و میلیون ها افغان را در جهاد شکوهمند و تاریخی مردم افغانستان در برابر استعمار و امپریالیزم خوانخوار شوروی وقت و بعد در برابر تجاوز همسایۀ شرقی و گروه اعزامی آنها، رهبری نموده بود ص۷

فصل سرما و ضرورت توجهٔ بیشتر دولت به مشکلات مردم



■ **نذرالله عنایت**

با آمدن فصل سرما در کشور همزمان مشکلات مردم به ویژه ساکنان مناطق سردسیر و صعب العبور نیز چندین برابر می شود. فصل سرما در دیگر کشورها که از گرما و دود غبار زندگی ماشینی خسته اند با خوشی و شادی همراه است، اما در افغانستان برای اکثریت که زیر خط فقر زندگی می کنند به یک کابوس و هیولا می ماند. زیرا این فصل سرما بود که در گذشته ها تراژیدی آفرید و تعدادی زیادی را به کام مرگ فرو برد.

باید اذعان کرد که زمستان خودش کابوس نیست، بلکه فقر و نادارای است که مشکلات مردم را در این فصل مضاعف می سازد و زندگی را به کابوس وحشت ناک تبدیل می کند.

طی سال های گذشته مواد سوخت به ویژه تیل و گاز و چوب سوخت که نیاز شدید مردم در ایام سرما می باشد،کمیاب و گاهی قیمت این مواد بالا می رفت. در نتیجهٔ نداشتن قدرت خرید و سرپناه مناسب برای زیست شاهد حوادث تلخ و ناگوار می بودیم.

تجارب تلخ سال های گذشته می طلبد که اکنون برای دشواری های زمستان برنامه ریزی صورت بگیرد. این در حالیست که این روزها نیز بهای مواد سوخت در کشور افزایش یافته است. افزایش روز افزون بهای چوب سوخت و گاز مایع در بازارهای کشور مردم را در حقیقت سخت نگران ساخته است.

علاوه بر مواد سوختی باشندگان کشور نگران آن اند که در زمستان پیش رو با کمبود مواد اولیهٔ خوراکه نیز روبرو نشوند.

به همین دلیل از مسؤولان محترم انتظار می رود تدابیر لازم را برای تأمین مواد اولیه ضروری در زمستان روی دست گیرند و تلاش کند تا مواد مورد نیاز ذخایر استراتژیک را تأمین کند.

برخی از وارد کنندگان مواد نفتی معمولاً در فصل سرما مشکلات ترانزیتی را از چالش های اصلی در برابر کارشان می دانند. در بحث ترانزیت نبود جاده های معیاری ترانزیتی داخل کشور و مشکلات مرزی با کشورهای همسایه به ویژه پاکستان نیز از مشکلات جدی فراروی تاجران مواد اولیه در کشور است.

علی رغم این که قیمت مواد سوخت در کشور افزایش می یابد منابع غنی ذغال سنگ و نفت وجود دارد که در صورت استخراج و بهره برداری بی نیاز از این بابت باشیم. اما متاسفانه در این سال ها دولت هیچ گاهی تلاش نکرده است، برای کاهش وابستگی کشور به همسایگان و بیرون از مرزها برای استخراج و بهره برداری لازم از این داشته ها اقدام علمی نموده و از آن مردم بهره مند شوند.

با نزدیک شدن زمستان دیده می شود که بیشترینه چوب می خرند تا مواد زغال سنگ و نفت. این درحالیست که چوب نه باید برای سوخت در شرائط کنونی استفاده شود. زیرا قطع جنگلات خطرات دیگری را در پی دارد که کارشناسان محیط زیست باید در این زمینه آگاهی بدهند.

همانگونه که شاهد بودیم برف باری های شدید همه ساله مسیرهای اصلی ترانزیتی کشور به ویژه مسیر شمال به جنوب را که از درهٔ سالنگ عبور می کند مسدود می سازد. در حالی که هنوز برف باری های سنگین آغاز نشده است، توقع می رود که مسؤولان در مسیر تردد این شاهراه (سالنگ) تدابیر لازم را داشته باشند.

ولایت های شمال و شمال شرق و زون مرکز از مناطقی اند که همه ساله شاهد حوادث ناگوار فصل زمستان هستند. طی سال های گذشته مردم بدخشان، غور و بامیان تلفاتی زیادی داشتند. درعین حال خیمه نشینان پایتخت نیز از گزند سرما در امان نبوده و همه ساله در اثر سرمای شدید شاهد تراژیدی بزرگ هستند و به تعداد زیادی از کودکان و کهن سالان جان می دهند.

با توجه به آنچه گفته شد زمستان درکشور با مشکلات گوناگونی برای شهروندان، همراه است و این مسئله را از همین حال باید جدی گرفت.

از این رو بایسته است که همین اکنون تا دیر نشده، دولت و مسؤولان ذیربط از جمله وزارت تجارت، ادارهٔ مبارزه با حوادث، جمعیت هلال احمر و غیره نهادهای خیریه در این زمینه فکر اساسی نمایند. بدین معنا که در بخش مواد سوختی باید از همین اکنون خریدهای لازم و توافقات لازم با شرکت ها و کشورهای که قرار است مواد سوختی زمستان از آن ها تأمین شود صورت بگیرد. درعین حال مناطقی که آسیب پذیر است می شود با راهکارهای جدید و مشوره های سودمند به این مشکل رسیدگی شود.

زیرا تکرار تجربه های تلخ سال های گذشته مشکلات مردم را مضاعف ساخته و نا کارآمدی دستگاه های مربوط را نشان می دهد. دولت باید در شرائط دشوار به صورتی برنامه ریزی کند که بتواند گزینه های بدیل را نیز در اختیار داشته باشد. به طور نمونه اگر یکی از مسیر های انتقال مواد سوخت بروی کشور در وسط زمستان سرد بسته می شود، مسیر های دیگری بتواند وجود داشته باشد تا نیازهای مردم تأمین گردد.

بزرگداشت از حماسه آفرینی ملی پوشان...

او گفت آقای نور ثابت کرد که فراقومی می اندیشد و میان ورزشکاران از نقاط مختلف کشور تفاوت قایل نمی شود، از خوشی های همه یکسان استقبال می کند و خودش را شریک این پیروزی ها می داند.

دکتور محمد افضل حدید، رییس شورای ولایتی بلخ، نیز طی سخنرانی پیروزی و حماسه آفرینی تیم ملی کرکت کشور را افتخار بزرگ خواند.

در بخش دوم محفل به منظور تقدیر و ستایش از پیروزی های پی در پی ملی پوشان کرکت از حساب شخصی سترجنرال عطا محمد نور، چک نقدی مبلغ دو میلیون افغانی به این تیم اهدا گردید. آقای نور همچنین برای هر یک از بازیکنان این تیم لوح تقدیر مولانا جلال الدین محمد بلخی و یک تخته قالینچه اهدا کرد. مراسم با ضیافت غذای چاشت، اتن و پایکوبی خاتمه یافت.

پیش از این، سترجنرال عطامحمد نور والی بلخ و رئیس عمومی شورای اجرائیوی جمعیت اسلامی افغانستان، تیم قهرمانان فوتبال کشور را که در مسابقات جهانی پیروزی نصیب شان شده بوده، به ولایت بلخ دعوت و بشمول هدایا، مبلغ دو میلیون افغانی را به آن تیم اهداء کرده بود.

خُراسان

سخی محمد صارم

از قرن پنجم تا نزدهم میلادی طی یک و نیم هزار سال نام مملکت ما خراسان بودبعد از قرن سوم میلادی کلمهٔ خراسان که در معنی مشرق و مطلع آفتاب است پیدا شد و از قرن پنجم تا نزدهم میلادی در طی یک و نیم هزار سال نام مملکت ما بود خراسان (خ) مشرق است که در مقابل مغرب است.

(برهان قاطع)(فرهنگ جهان گیر)

خراسان اسم خاص در اساطیر قدیم ما نام شهرها را غالباً نام شخص سازندهٔ آن می شماردند. مستوفی آرد: خراسان پسر عالم و عالم پسر سام است و عراق پسر خراسان می باشد (از تاریخ گزیدهٔ چاپ لندن ص ۲۷) خراسان در زبان قدیم فارسی به معنی خاور زمین است. این اسم در اوایل قرن وسطی بطور کلی بر تمام ایالات اسلامی که در سمت خاور کویر لوت تا کوه های هند واقع بودند، اطلاق می گردید. و باین ترتیب تمام بلاد ما وراء النهر را در شمال خاوری به استثنای سیستان و قهستان در جنوب شامل می شد. حدود خارجی خراسان در آسیای وسطی بیابان چین و پامیر و از سمت هند، جبال هندوکش بود.

ولی بعد ها این حدود هم دقیق تر و هم کوچکتر گردید تا آنجا که می توان گفت خراسان یکی از ایالات ایران در قرون وسطا بود از سمت شمال خاوری از رود جیحون به آنطرف را شامل نمی شد ولی همچنان تمام ارتفاعات ماورای هرات را که اکنون قسمت باختری سر زمین ما است در بر داشت. مع الوصف بلادی که در منطقهٔ علیای رود جیحون یعنی در ناحیهٔ پامیر واقع بودند در نزد اعراب قرون وسطی جز خراسان یعنی داخل در حدود آن ایالت محسوب می شدند.

ایالت خراسان در دوران اعراب به چهار قسمت یعنی چهار ربع تقسیم می گردید و هر ربع به نام یکی از چهار شهر بزرگی که در زمان های مختلف کرسی آن ربع کرسی تمام ایالت واقع گردیدند و عبارت بودند از نیشاپور، مرو، هرات و بلخ. پس از فتوحات اول اسلامی کرسی ایالت خراسان مرو و بلخ ولی بعد ها امرأ سلسلهٔ طاهریان مرکز فرمانروائی خود را به ناحیهٔ باختر برده، نیشاپور را که شهر مهم در غربی ترین قسمت های چهار گانه بود، مرکز امارت خویش قرار دادند. و اما پس از جنگ هرات به سال ۱۲۴۹ هجری قمری، خراسان به دو قسمت تجزیه شد، قسمتی که در مغرب هریرود واقع بود جز ایران و قسمت دیگر به سرزمین ما ضمیمه گردید. دو ربع اول و دوم خراسان شامل آستان های در کشور ایران و ربع سوم آن عبارت از: در غرب نهر جیحون است و بین آنجا تا نهر هشت فرسخ راه است و شهر های فاریاب، جوزجان و تخارستان علیا و خست و اندرابه، بامیان و بغلان و والج (شهر مزاحم بن بسطام) و رستاق بیل و بدخشان (مدخل مسافران تبت) است و از اندرابه مردمان به کابل می روند و ترمذ و آن در شرق بلخ است و صغانیان و تخارستان سفلی، خلم و سمنجان (سمنگان) خراسان بسال (۳۱هـ ق) در ایام عثمان بسر کرده گی عبدالله بن عامر بن کریز گشوده شد و اراضی اغلب این ناحیه مفتوح العنوت است. خراسانیان به ابتدای گشودن مسلمین از بهترین مسلمانان بودند و بطوع در بعضی از بلاد گردن به اسلام گذاشتند و تا زمان ابومسلم خراسانی براین رفتار باقی بودند تا آنکه ابومسلم خراسانی قیام کرد و آنان از پیروان او گشتند.

در بارهٔ خراسان دو حدیث است، یکی آن دو را شریک بن عبدالله نقل کرده: «کنانته الله اذا غضب علی قوم رما هم بهم» و دیگر آن: «ما خرجت من خراسان رایته فی جاهلیته والاسلام فردت حتی تبلغ منتها ها».

خراسان ناحیت مشرق وی، هندوستان ست و جنوب وی بعضی از حدود خراسان ست و بعضی بیابان کرکس کوه و مغرب وی نواحی گرگان است و حدود غور و شمال رود جیحون است.

سلام کن زمن ای باد مر خراسان را

ناصر خسرو بلخی

رهروم مقصد امکان به خراسان یابم
تشنه ام مشرب احسان به خراسان یابم
آ ن کعبهء وفا که خراسانش نام بود
اکنون به پای پیل خوادث خراب شد

(خاقانی)

در پرده عشاق و خراسان و حجازست
از حنجرهٔ مطرب مکروه نزبید

(گلستان سعدی)

از خراسان برد مه طاووس وش
سوی خاور می خرامد شادو خوش

گرفته شده از هفته نامهٔ ایکونومیست
برگردان به فارسی مسعود

عمیقتر حفر کن!



وقتی هفته نامهٔ ایکونومیست را مرور می کردم چشمم به مقاله ای در رابطه با تونل سالنگ خورد. به یاد یک مقاله ای طنز گونه ای زیر عنوان "حکومت رئیس جمهور کرزی و شاهراه سالنگ" افتادم. در ختم این مقاله آن مقاله را درینجا اضافه نموده ام.

خرابی یک تونل اشاره به مشکلات گسترده تر در افغانستان دارد.

تونل سالنگ حفر شده از درون کوه های هندو کش در ارتفاع ۳۴۰۰ متر یک کار مهندسی شگفت انگیزی است که کابل را با آسیای مرکزی وصل می کند. ولی با این حال این راهِ حیاتی که توسط اتحاد جماهیر شوروی در سال های ۱۹۶۰ ساخته شده بود، پس از نزدیک به ۵۰ سال غفلت، جنگ و استفادهٔ آن توسط ده ها هزار کامیون که بسیاری آنها با تجهیزات ناتو بارگیری می شوند که به پایگاه های شان به آسیای مرکزی در رفت و آمد اند، نیاز مبرم به تعمیر دارد.

یک سقف چکک کن (آب ریز)، سطح نا هموار و سیستم تهویه و روشنایی ناکافی برای کسانی که از این تونلِ به طول ۶،۲ کیلومتر استفاده می کنند از یک طرف تصادفات و از طرف دیگر مسمومیتِ مونوکسید آنها را در معرض خطر مرگ قرار می دهد. در یک روزِ بد، بخصوص در زمستانِ پر برف، صدها کامیون (صد ها نه، بلکه هزاران. مترجم) قطارِ درازی به درازی ۱۵ کیلومترِ پیچ و خم در هر دو انتهای تونل را تشکیل می دهد. آنها گاهی تا دو هفته باید صبر کنند تا بتوانند از آنجا عبور کنند. مقامات می گویند که برف کوچها و تصادفات سالانه حدوداً جانِ ۵ نفر را می گیرد. این مقامات همچنان ترسِ این را دارند که سوختِ کامیون ها که تخمیناً جانِ صد ها نیروی شوروی و افغان را درسال ۱۹۸۲ گرفته بود، باز تکرار نگردد.

دولت افغانستان و کمک کنندگانِ خارجی ضرورتِ اِعمار تونل جدید ر ا می دانند. بستنِ تونلِ موجود برای تعمیر حد اقل نه ماه را در بر می گیرد که درین صورت عبورِ وسایل نقلیهٔ سنگین بین شمال کشور و پایتخت درین مدت متوقف می شود. اما هیچ کس حاضر به اقدامِ هزینهٔ ساختن این تونل که بیش از یک میلیارد دالر تخمین زده می شود را ندارد. این یک مشکلی ست که بطور فزاینده در افغانستان سنگین تر می شود بخصوص هنگامی که نیروهای خارجی افغانستان را با بودجه های کلانِ انکشافی خود به زودی ترک خواهند کرد. مقامات غربی می گویند که برای آنها متقاعد کردن دولتِ افغانستان در این مورد که روزهای کمک های رایگان برای دولت فغانستان از طرف جامعهٔ بین المللی تمام شده است، سخت بوده است. نمایندگی ایالات متحده برای توسعهٔ بین المللی گفته است که این اداره هیچ گونه پروژه های زیربنایی جدیدی را در افغانستان کمک نخواهد کرد. بانک جهانی و بانک توسعهٔ آسیایی همچنان وعدهٔ تأمین مالی تونل را در آینده نمی دهد.

بجای آن، آنها تلاش دارند تا دولت افغانستان را وادار کنند تا به راه های جدید برای تأمین مالی چنین پروژه ها نگاه کنند. به این معنی که یک باج راهِ جدید و یک تونل در نزدیکی سالنگ که با مشارکت بخش دولتی و خصوصی پرداخت گردد، بنا شود. این مشارکت دولت و بخشِ خصوصی که در میان دولت های مقروض در سراسرِ جهان رایج است، ایدهٔ وادار کردن بخش خصوصی برای سرمایه گذاری، ساخت و راه اندازی یک جادهٔ جدید برای افغانستان چنان نو به نظر می رسد که نظر به یک کارمند داخلی، ضرورت به توضیح آن به مقامات دولتی گردیده بود. باج گیری در شاهراه ها برای افغانستان یک چیزی جدیدی نخواهد بود اما پیدا کردنِ یک شرکت بخاطرِ سرمایه گذاری برای بنای یک تونلِ نو که حد اقل ۵۰۰ میلیون دالر هزینه دارد در یک ملتی و دولتی که دچارِ فساد و عدم قاطعیت است، دشوار خواهد بود.

در ماه جولای مهندسین ارتش امریکایی کار های تعمیر فوری را در تونل سالنگ، باتعمیر کردن روشنایی و تهویه و با جایگزینی آسفالت آغاز کردند. این سری دومی از تعمیراتِ کلان در دو سالِ گذشته است. نجیب الله وزیر فواید عامهٔ افغانستان ابراز تأسف کرد و بیان داشت: "آنها این همه تعمیرات را برای خودشان انجام می دهند، در کمتر از دوسال دیگر من نیاز به پیدا کردنِ راهِ حلِ دیگری باید باشم."

اینهم مقالهٔ طنز گونه ای به قلم محمد اکرام اندیشمند تحت عنوان "حکومت رئیس جمهور کرزی و شاهراه سالنگ" که پیش از این نیز در نشریهٔ مجاهد به نشر رسیده بود:

شاهراه سالنگ به عنوان شاهراه اتصال شمال افغانستان به پایتخت و سایر ولایات جنوبی، شرقی و غربی اهمیت حیاتی دارد. هر روز بین بیست تا سی هزار عراده موتر (ماشین) از این شاهراه در رفت و آمد اند. باز سازی شاهراه، نگه داری یا حفظ و مراقبت شاهراه و تنظیم تردد این هزاران عراده جات یکی از نشانه های مدیریت مؤفقانه و حکومت داری خوب جناب رئیس جمهورکرزی و اعضای حکومت ایشان به ویژه نهادهای مربوط به سرک سازی و خدمات عامه است. نقش شورای ملی یا پارلمان افغانستان در نظارت از کارکرد حکومت بر باز سازی و نوسازی شاهراه سالنگ، به خصوص نمایندگان ولایات شمال افغانستان در هردو مجلس، کارآیی و شایستگی پارلمان و نمایندگان ولایات شمال را منعکس می سازد. رئیس جمهور پیوسته از وزارت فواید عامه و نهادهای مربوط به بازسازی شاهراه سالنگ گزارش بدست می آورد و وزارت مذکور کار شرکت های خارجی و داخلی را در مورد بازسازی و نوسازی سالنگ پیوسته از نظر کیفی و کمی ارزیابی و نظارت می کند.

بنا براین هزاران مسافری که روزانه از شاهراه سالنگ عبور می کنند از سهولت و آرامش باور نکردنی در سفر برخوردار می شوند. سهولت سفر به شاهراه سالنگ و عبور راحت از این شاهراه هزاران نفر را وسوسه می کند تا جهت تفریح و تنفس از هوای پاک و زیبای سالنگ رخت سفر بربندند و از شمال و جنوب بسوی سالنگ روی بیاورند.

هوای سفر راحت در شاهراه سالنگ و نسیم ملایم بهاری دره های زیبای سالنگ در سوم ثور۱۳۹۲خورشیدی جناب رئیس جمهور کرزی را با وزیران کابینه اش و نمایندگان مردم در هر دو مجلس پارلمان به سفر سالنگ کشاند. آنها تصمیم گرفتند تا پیروزی و توانایی حکومت خود را در بازسازی و نوسازی شاهراه سالنگ یکجا با هزاران هموطن و"رعیای" خویش که سهولت و آرامش سفر سالنگ را تجربه می کردند، جشن بگیرند. محل برگزاری این جشن با شکوه ساحه زیبای دوشاخ در سالنگ شمالی تعین شده بود. من هم افتخار شرکت در این جشن را داشتم. نکتهٔ بسیار جالب و شگفت آور این بود که برای اولین بار رئیس جمهور کرزی و وزیرانش را بدون بادیگارد و بدون آنکه خود را در عقب شیشه های سیاه و تاریک موتر های زرهدار زندانی کرده باشند، در میان مردم می دیدم. وکیلان نیز بدون محافظ مسلح در میان مردم دیده می شدند. همه شاد و خندان بودند. رئیس جمهور، وزیر، وکیل و مردم. پس از سخنرانی ها که رئیس جمهور از وزیران به خصوص ا ز وزیر فواید عامه تقدیر به عمل آورد، وزیر رئیس جمهور را ستود و وکیل برای هر دو مداحی کرد، مراسم تقدیر از باز سازی و نوسازی شاهراه سالنگ با ارائهٔ تقدیر نامه و اعطای جوایز بسیار گرم و داغ شد. یکی به گردن دیگر مدال افتخار می آویختند و بازسازی شاهراه سالنگ را افتخار دوران اقتدار و حاکمیت خویش می خواندند وزیران و وکیلان کف می زدند.

هزاران "رعیتی" که در درهٔ دوشاخ شاهد و ناظر این جشن بودند با هلهله و سوت، اربابان خود را بدرقه می کردند و برای شان مرحبا می گفتند. هلهله و سوت رعیای رئیس جمهور من را از خواب سنگینی که پس از شش ساعت سفر پرمشقت و تلخ از جبل السراج تا دره دوشاخ فرو رفته بودم بیدارم کرد. هزاران نفر تا آنجا ساعت های متوالی را با عبور از جهنمی به نام شاهراه سالنگ و با تنفس گاز و دود ماشین ها پشت سر گذاشته بودند. چند ساعتی را هم در راه بندان ناشی از بی نظمی ترافیک شاهراه توقف کردند. اما بسیاری از آن رعیا حرفی در تقصیر حاکمان و وکیلان خود نداشتند.

آری! همین طور بود؛ هرمردم و ملتی، مطابق شایستگی خود زمام داران و نمایندگان خود را انتخاب می کنند.

شنود و ضبط مکالمات توسط ...

در همین حال، وزیر مخابرات افغانستان که تا هنوز در مورد شنود غیر قانونی مکالمات تلفنی شهروندان کشورش توسط امریکا اظهار بی خبری می نماید، گفته است در صورتی که این کار انجام شده باشد عکس العمل افغانستان مانند دیگر کشورها جدی خواهد بود.

امیرزی سنگین وزیر مخابرات در مصاحبه با بی بی سی گفته است که، شنودها اگر در همکاری با دولت افغانستان انجام نشده است، باید متوقف شود و احتمالاً این موضوع در روزهای آینده در سطح حکومت افغانستان نیز بحث شود.

به گفتهٔ آقای سنگین، موضوع شنود غیر قانونی یک موضوع جدی است باید دوستان بین‌المللی به تمام قوانین کشور ما احترام بگذارند و در صورتی که شنود مکالمات خلاف قانون انجام شده، باید در آینده تعهد بسپارند که این کار صورت نمی‌گیرد. زیرا شنود غیر قانونی به معنی این است که دو کشور به هم اعتماد ندارد.

آزادی و محرمیت مراسلات و مخابرات اشخاص چه به صورت مکتوب و چه به وسیلهٔ تلفن، تلگراف و وسایل دیگر، از تعرض مصئون است. حتی دولت حق تفتیش مراسلات و مخابرات اشخاص را ندارد، مگر مطابق به احکام قانون.

آقای سنگین از روند شنود مکالمات که در کشورهای دیگر ابراز نگرانی نموده گفته است، تا هنوز هیچ گونه سند مبنی بر شنود مکالمات غیرقانونی در دست ندارد.

تجسس و کنجکاوی به اسرار دیگران به باورهای دینی مسلمانان که در قرآن و حدیت روشنی انداخته شده، گناه نا بخشودنی و بمثابهٔ خوردن گوشت برادر مسلمان دانسته شده است انجا که ارشاد الهی است: "ای کسانی که ایمان آورده اید از بسیاری گمان ها دربارهٔ دیگران بپرهیزید، به راستی که برخی از گمان ها گناه است. دربارهٔ یکدیگر جاسوسی نکنید و بعضی از شما غیبت بعضی نکنند، آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده خود را بخورد ؟"

البته در پیگیری و تجسس افراد استثنا وجود دارد که در قانون اساسی کشور نیز صراحت دارد " تفتیش و اعلان دارایی شخص، تنها به حکم قانون صورت می گیرد ." اما این که کشور دیگری در امور شهروندان کشور و افراد بلند پایهٔ دولتی دزدانه اطلاعات جمعاوری نماید، و بعداً توسط ویکی لیکسی در افشاگری رازهای محرمانه بپزدازد، این یک جرم و تخطی بر حریم شهروندان کشور پنداشته می شود بر دولت است تا در جلوگیری آن اقدام جدی نماید.

په تعلیمي ادارو کې د معیارونو له پامه غورځول او بدې پایلې یې

◇ **رفیق بحر**

د اساسي قانون لـه مخې د بـازار د اقتصاد او خصوصـي سـکتورونو د فعالیـت د اصـل د تطبیق لـه مخې کـه پـه ګڼو ساحو کې د خصوصي سکتور رامینځتـه کېـدل یـو مثبت عمـل دی او دولت سره مرسته کـوي خو پـه بېلابېلو ساحو کې د خصوصـي سـکتور فعالیتونـه د لازم نظـارت لانـدې سـاتل هـم لازمـي عمـل هـم دی او بیـا پـه ځـانګړې توګـه پـه تعلیمـي سـکتور کـې، چـې د ولـس د راتلـونکي نسـل د پوهـاوي او ظرفیـت د لوړوالی کچـه ورپـورې تړلـی ده او پـه کـې د لازمـو معیارونو پلي کول اړین دي.

مګـر لـه بـده مرغـه چـې پـه هیـواد کـې پـه تعلیمـي ډګـر کـې دغـه معیارونـه پلـي کـول او نظارت لـه صفر سره برابر دی؛ ځکـه لـومړی خو د لوړو زده کړو پـه ځـانګړې توګـه او پـه عامـه توګـه د زده کـړو ادارو اداري د داسـې خلکـو لخـوا جـوړې شـوي دي چـې د مطلـوب تعلیمـي معیـار او تجربـې لرونکـي نـدي؛ ډېـرې داسـې د لـوړو زده کـړې اداري شـته چـې رئیسـان او نـور مسـؤولین یـې مطلـوب تعلیمي معیـار او لازمـې زده کـړې او تجربـه نلـري؛ د مثـال پـه توګـه ځیني کسـان د لـوړو زده کـړو خصوصـي مؤسسـې پـرمخ بېـایي او پخپلـه د لیسـانس دیپلـوم هـم نلـري؛ بلکـې اوس پخپله لسانس مرحله کې محلصین دي.

پداسـې حـال کـې چـې د لـوړو زده کـړو د هـر ریاسـت او معاونیـت پـرمخ بېـونکی بایـد پخپلـه استـاد هـم اوسـي. بلـې خواتـه پـدغو ادارو کـې د دې لپـاره چـې محلصـین لـه لاسـه ورنکـړي لـه دومـره سـهولت ځخـه کـار اخسـتل کیـږي چـې هـر ځـل ازموینو کـې هیـڅ ناکـام نلري او ان تـردې چـې کـوم استـادان لـه دغـه نـاروا روش ځخـه کارنـه اخلـي او د تعلیمـي مرحلـې لـه سـویې سـره سـمې ازمـوینې اخلـي، هغـه استـادان نـه یـواځې داچـې محصـلینوته متشـددین ښـکاري، بلکـې تعلیمـي اداري یـې هـم ښـه نـه ګڼـي او لـه همـدې املـه دهیـواد د نـړدې ټولـو لـوړو زده کـړو اداري د استـادانو آرزیـابي یـوازې پـه محصـلینو ترسـره کـوي، پداسـې حـال کـې چـې داسـتادانو آرزیـابي خـو څـو اړخونـه لـري؛ بایـدچې د لاربنـودو اسـتادانو لخـوا وشـي مګـر دلـوړو زده کـړو پـه ډیـرو خصوصي ادارو کـې دایمـې استادان نشـته او کـه چیـري شـته هـم، بیاهغـه استادان دي چـې علمـي سـویې یـې ټیټـې دي او دنـورو استـادانو د آرزیـابي ورتیـا نلـري او دپوهنځیـو رئیسـان هـم همداسـې دي، همدارنګـه د درسـي پـلان رسـولو لـه اړخـه آرزیـابې خـو لـه سـره شـتون نلـري؛ ځکـه یـوازې د محلصـینو پـه خوښـه برابـر استادان خـو هغـه استـادان اوسـي چـې پـه سمسـتر کـې یـې ډېـرکم درس ورکـړی وي، څـو پـه آزموینـه کـې ورتـه آسـانه اوسـي، چـې لاملـه یـې پـه دغـو ادارو کې تعلیمی نصاب پوره نه لوستل کیږي.

همدارنګـه دغـه تعلیمـی اداري لـدې املـه چـې لـه رسـمي رخصـتیو زیـاتو رخصـتیو ورکولـو تـه خوشـحالیږي څـو د اسـتادانو لـه حـق الزحمـې ځخـه خـلاص شـي؛ ولـې چـې د رخصـتیو پـه ورځـوکې دوې د اسـتادانو پـه معاشـونو ورکولـو ځانونـه مکلـف نـه ګڼـي، پداسـې حال کې چې د کارقـانون لـه مخـې داهـم ناسـم عمـل دی. او د رخصـتیو د شـمېرېه هکلـه پـه دغـو تعلیمـي مؤسسـو د وزارت لـه خـوا هـیڅ نظـارت نشـته، چـې دا کـار پـه پایلـه کـې د درسـي پلان دنـه پـوره کېدو بل لامل ګرځي.

همدارنګـه د محصـلینو حاضـري چـې یـوه بنیـادي مسـئله ده، د لـوړو زده کـړو ادارو کـې پـه بشـپړه توګـه لـه پامـه غورځیـدلې ده او اداري پـدې هکلـه لازم فشـار نـه راوړي؛ ځکـه بیـا محصـلین لـه لاسـه ورکـوي او ډېـرې داسـې اداري هـم شـته چـې اصـلاً محصـلین پکـې د لـومړۍ ورځې ځخه حاضري نه ورکوي.

او هـم ډېـرې داسـې دلـوړو زده کـړو او نـورې تعلیمـي اداري شـتون لـري چـې مسـوولین او د پوهنځیـو رئیسـان یـې پـه دولت کـې عمـلاً رسمـي دنـدې لـري، چـې داهـم دلـوړو زده کـړو اونـورو تعلیمـي ادارو لـه قـانون ځخـه یـوخلاف عمـل دی خـو ددولـت لخـوا ورتـه هـیڅ پاملرنـه نشـته دی. د آزموینـو اخسـتلو پرمهـال چـې کـوم اسـتادان دلیاقـت او ورتیـا پـه نظـر کـې نیـولـو پرتـه دمحلصـینودخوښ سـاتلو لپـاره (څـو د دوې پـه اړه مثبتـه آرزونـه وکـړي) لـوړې لـوړې نمـرې ورکـوي چـې لـه یـوې خـو دا عمـل د محصـلینو سـره خیانـت دی او لـه بلـې خـوا د ولـس سـره خیانـت دی؛ ځکـه محصـل د واقعیـت پرتـه پـه غټـه نمره اخسـتلو سـره مغـرور کیـږي او بیـا درس نـه لـولي. او د ولـس سـره پـدې توګـه خیانـت دی چـې لـه یـوې خـوا راتلـونکي لپـاره یـې د خپلـې شخصـي ګټـې پـه منظـور ولـس تـه د لازمـې پـوهې حاصـلونکي او ظرفیـت پیـدا کـوونکي ځوانـان وړانـدې نکـړل څـو مـونږ پـه راتلـونکي کـې لایقـه اسـتادان، ډاکتـران، انجینـران، قاضـیان، څـارنوالان او ... ولـرو. او هـم لـه بلـې خـوا دا ډول نـاروا آرزونـه پـه نـورو هیوادونـو کـې بیـا د افغانسـتان د تعلیمـی اسـنادو پـه اړه شـکوک راولاړوي او ورتـه تزویـري ښـکاري؛ لکـه چـې همـدا اوس پـه نـورو هیوادونـو کـې د افغـاني فارغـانو شـهادتنامي د لـوړو نمـرو لرلـو لـه املـه بـې اهمیتـه دي. سـربېره پـردې چـې لـه فراغـت وروسـته د اسـتعداد او لیاقـت لرونکـو فارغـانو او د دوی ترمینځـه برابـري د لایقـو او ذهینـو فارغـانو د حـق تلفـی لامـل هـم پـه راتلـونکي کـې ګرځـي او لاد هغـو ځوانـانو پـر خـلاف د وظـایفو لاسـته راوړلـو او استخدام پـر مهـال مـانع ګرځـي چـې هغـوی د تقلبـي کـانکورونو لاملـه دولتـي پوهنتونونـو تـه لیـار نـده پیـدا کـړې او پـه خصوصـي تعلیمـی ادارو کـې د زده کـړې تـوان نلـري؛ پداسـې حـال کـې چـې د هغـوی علمـي سـویه ددغـو فارغـانو د لیسـانس او ماستـرۍ د شـهادتنامو سـره سـره هـم، لـه دوې ځخـه ښـه اوسـي. نـو ځکـه اړینـه ده چـې بایـد لـه یـوې خـوا دولـت نـور ددغـو تقلبـي کـانکورونو پـر ځـای د ثـانوي دورې د نمـرو فیصـدي پـه نظـر کـې وسـاتي او لـه بلـې خـوا د لـوړو زده کـړو ددغـو ټولـو نـاخوالو د سـمولو او ناقـانونیو دلـه مینځـه وړلـو لپـاره ټینـګ نظارت وکـړي او هـم د یوشـفاف کـانکور پرتـه، چـې تـر څـو دغـه اداري پـه سـمه معنـا علمـي او معیـاري شـوي نـه اوسـي، د خصوصـي لـوړو زده کـړو د فارغـانو شـهادتنامي ونـه منـل شـي او پـر محصـیلینو د یـوې زورنـدې تـورې پـه توګـه د کانکور ویره اوسي.

همدارنګـه بایـد زمـونږ نـوی کـول او محصـلین هـم دا درك کـړي چـې د اسـتادانو غیـر لازم تسـاهل او پـه آزموینـو کـې بـې ځایـه آسـانتیا، سـترګې پټـول او درسـي پـلان نـه رسـول د دوې پـه راتلـونکې لـوبې کـول دي؛ ځکـه لکـه چـې وایـي: دوسـت دې هغـه دی چـې دې وژړوي خـو مسـوولیت تـه دې متوجـه کـړي او دښـمن دې هغـه دی چـې دې وخنـدوي او خوشـحاله دې کـړي خـو مسـوولیت تـه دې متوجـه نکـړي. همدارنګـه د هیـواد متعهـدو رسـنیو تـه پکـار ده چـې پـدې اړه هـم وخـت نـا وخـت علمـي بحثونـه او ګـردې میزونـه دایـر کـړي او یـوازې پـه وچو سیاسي بحثونو بسنه ونکړي.

شهید

ژباړن: ډاکتر محمد طارق اقبال

۷ برخه

کـورو ددي فکـر لـه مخې،"اولیـاء الله" تـه د مړینـې خوښـې،مطلوب والـی او هیلـه کـول یـې لـه مړینـې سره د مبارزې او لـه خدایـه د اوږد عمـر لـه غوښتنې سره هیڅ تکر نهٔ لرې.

قـرآن کـریم یهـودو تـه وایـي:(چـې مـدعي ول مـوږ "اولیـاء الله" یـو) کـه تاسـی "اولیـاء الله یـئ، بایـد مړینـه درتـه یـو خـوښ امـر او هیلـه مـو وي. بیـا وایي:خـو دوی کلـه هـم د مړینـې هیلـه نـهٔ کوي؛ځکـه هغـه اعمـال یې،چـې مخکـې لیږلي،دومـره لـه تیـري او جنایتـه ډک دي،چـې خپلـه پـو هیږي، هغـې نـړی تـه بـه پر څـه ورننوځي. دا لـه درېمـي ډلـې دي،چـې ومـو شـمېرل. "اولیـاء الله"پـه دوه حـالتونو او دوه مـوردو کـې د اوږد عمـر لـه غوښـتنې ډډه کوي:یـو دا چـې احسـاس کړي،داسـې وضـع لري،چـې کـه نـور څـومره هـم پـاتې شـي،په غـاړه ایښـوونه یـا اطاعـت کـې ډېـر توفیق نـهٔ شـي تـر لاسـه کـولای.پر عکس د تکامـل پـر ځـای تنـاقض مـومي. امـام زیـن العابـدین وایـي: "خدایـه داسـې عمـر راکـړې،چـې پـه غـاړه ایښـوونه یـا اطاعـت کـې دی تېـر شـي،کـه ژونـد مـې د شـیطان څـر ځـای وي؛نـو ژر تـر ژره مـې د ځـان خوا ته یوسه."

دویـم حالـت،"شـهادت" دی.اولیـاء الله بـې شـرطه لـه خدایـه "شـهادت" غواړي؛ځکـه "شـهادت" دواړه ځـانګړنې لـري: هـم عمـل دی هـم تکامل؛لکـه څرنګـه چـې مـو پـه نبـوي حـدیث کـې رانقـل کړل،چـې د تکامـل پـر پـورې د نېکـی د هـرې کړنلـه پاسـه بلـه هـم وي؛ خـو بـې لـه شـهادته او لـه بـل اړخـه بلـې نـړۍ تـه تـګ دی،چـې دا خـوښ او مطلـوب چـار او د "اولیـاء الله" هیلـه هـم ده.

دا چـې حضـرت علـي کـرم الله وجهـه وینـې د "شـهادت" مړینـه یـې پـه برخـه شـوې،له خوشـحالی پـه جامو کـې نـهٔ ځاییږي. حضـرت علي،چـې ټپي شـو؛نو و یـې ویـل: ((پـر خـدای قسـم ! هیـڅ مکـروه د تمـې خـلاف چـار راپانـدې نـهٔ دی پېـښ شـوی،هغـه شـوې،چې غوښـتل مـې،"شـهادت" مـې هیلـه وه،چـې وروررسـېدم. مثـال مـې دهغـه کـس دی،چـې پـه تبـه تیـاره پـه دښـته کـې پـه اوبـو پسـې ګرځـي او یـو دم د اوبـو ځـاه یـا چینـه پیـدا کـړي. مثـال مـې د هغـه لټـوونکي دی،چـې خپـل مطلـوب تـه رسېدلی وي.))

"حافظ شیرازي" په دې هکله وایي:

دوش وقت سحر از غصه نجاتم دادند
واندر ان ظلمت شب اب حیاتم دادند
چه مبارک سحري بود و چه فرخنده شبی
ان شب قدر که این تازه براتم دادند

د روژې پـه نولسـم ګهیـځ، چـې دښـمن حضـرت علـي کـرم الله وجهـه پـر سـر وواهـه،لومړنی یـا دویمـه جمله،چي له خولې یې واورېدل شوه دا وه:

((فُـزتُ و ربِّ الکعبـه)) د کعبـې پـر خـدای قسـم، چې وډ غورل شوم.

نـو د اسـلام لـه نظـره،"شـهادت" لـه وګړیـز اړخه؛خپلـه "شـهید" تـه بریـا ؛بلکـې ستره بریا،هیلـه او له ټولو ستره هیله ده.

"امـام حسـین" وویـل: ((نیکـه مـې راتـه وویـل،چي تـهٔ لـه خـدای سـره درجـه لـرې او بـې شـهادته بـه ورونـهٔ رسـې.))؛نو "شـهادت" "امـام حسـین" تـه ارتقـاء او د تکامل له ټولو لوړ پړاو دی.

تـردې ځایـه مـو د مړینـې او "شـهادت" د مسـئلې لـه وګړیـز اړخـه شـننه وکـړه،دې ځـای تـه راورسـېدو،که مړینـه د "شـهادت" پـه بڼـه وي؛ نو"شـهید" تـه پـه ربښتیا یـوه بریـا ده،جشـن او خوشـحالي لري؛ځکـه "سـید بـن طـاوس" وایـي: ((کـه د ویـر حکـم راتـه نـهٔ و شـوی؛نو ما بـه د امامانو د "شهادت" د ورځې جشن لمانځه.))

دلتـه او لـه دې ځایـه دي، چـې مـوږ مسـیحیت تـه حـق ورکـوو،چي د مسیح د "شـهادت" پـه نامـه جشـن ونیسـي،چي دوی ګڼـي "حضـرت عیسـی" علیـه السـلام "شهید" شوی

اسلام پـه ډاګـه "شـهید" تـه "شـهادت" بریـا ګڼـي، نـهٔ بـل څـه؛خو د اسـلام لـه نظره،هغـه بـل اړخ هـم بایـد وڅېړل شـي. د "شـهادت" ټـولنیز اړخ هـم بایـد وڅېړل شـي؛یعنې دا چـې پـه ټـولنې پـورې هـم تـړاو لـري او داسـې ځیزدی،چې پـه ځـانګړو ځـایو کـې او پـه ځـانګړو پېښو پسـې پېښیږي او پـه ځـان پسـې ځـانګړې پېښـې هـم راولاړوي. د "شـهید" پـه هکلـه،چي ټولنـه کـوم غبرګـون ښـیي،یوازې پـه "شـهید" پـورې اړه نـهٔ لري؛یعنـې یـوازې پـه دې پـورې تـړاو نـهٔ لـري ،چـې د "شهید" بریـا یـا ماتې پـه برخـه شوې. د ټـولنې غبرګون پـه دې پـورې اړه لري،چـې د ټـولنې خلـک د "شـهید" او د "شـهید" د جبهـې پـر وړانـدې بایـد څـه ډول دریـځ ولـري او د "شـهید" د مخـالفې جبهـې پـر وړاندې باید څه ډول دریځ ولري؟

لـه ټـولنې سره یـې د "شهید" اړیکـه پـه دوه ډولـه ده: یـوه یـې لـه خلکـو سره ده. کـه ژونـدی وای؛نو لـه شـتونه بـه یـې ګټـه اخېسـته،چي اوسـمهال تـرې بـې برخـې دي او بلـه اړیکـه یـې لـه هغـو سـره ده،چـې تبـاهۍ او فسـاد تـه یـې لار هـواره کـړې او "شـهید" ورسـره مبـارزې تـه راپاڅېـدلی او پـه لاس یـې "شهید" شوی دی.

ځرګنـده ده،چـې د "شـهید" د پلویـانو لـه نظره،چـې دده لـه ژونـده لـه ګټنـې بـې برخـې پـاتې دي،دوی تـه د "شـهید" "شـهادت" اغېزنـاک دی.هغـه،چي د "شـهید" پـر "شـهادت" ویـر کوي،پـه حقیقـت کـې یـو ډول پـر ځـان ژاړي او چغـې وهي؛خـو دهغـې زمینـې یـا لارې چـارې پـه هکلـه، چـې د "شـهید" "شـهادت" پـه کـې ترسـره کېږي، د یـو نـامطلوب بهیـر د شـته والـي لـه املـه،"شـهادت" یـو مطلـوب چـار دی او د جراحـی د بریـا عملیـاتو پـه شـان مثـال لري،چـې یومطلـوب چـار دی او دا هلـه ترسـره کیږي،کـه ځـوک ورتـه اړتیـا ولري؛لکـه اپندیسـایټس (د کولمـو یـو رنـځ دی،چـې سمدسـتي جراحـی تـه اړتیـا لـري) یـا د معدې یـا کولمـو زخـم ولـري یـا داسـې نور؛خـو کـه دا شـان زمینـه یـا لاره چاره نهٔ وي؛نو جراجي کول ناسم چار دی.

لـه ټـولنیز اړخـه،چي خلـک بایـد د "شـهید" لـه شـهادته عبـرت واخلـي، دا دی،چـې لـومړی خـو پرېښـږدي داشـان لارې چـارې پیـدا شـي. لـه هغـه مخې،چـې دا نـاورین د یـو داسـې چـار پـه بڼـه رامنځ ته کیږي،چې باید نهٔ وای شوی

۷مخ

مروری بر برخی حوادث امنیتی

○ فیض

۴عقرب:

• به گزارش رسانه ها، درگیری مسلحانه بین نیروهای نظامی افغان و نظامیان خارجی در منطقه ای در اطراف شهر کابل چند کشته و زخمی برجا گذاشت. این درگیری بین نیروهای نظامی افغان و نظامیان ناتو صورت گرفته است. سخنگوی ناتو در کابل نیز این خبر را تایید کرده و گفته است که یک نفر ملبس به یونیفرم ارتش ملی به سوی سربازان ناتو تیراندازی کرده و پس از آن درگیری آغاز شده است.

• به دنبال به قتل رسیدن پدر و پسری در ولسوالی بغلان مرکزی، مسیر شاهراه بغلان ـــ قندوز برای نیم ساعت به روی ترافیک مسدود شد. گزارش ها حاکی از این است که حوالی ساعت ۸:۳۰ شب در منطقه تره خیل، پدر و پسری که سوار بر موتر، قصد عزیمت به خانه شان را داشتند؛ هدف تیرباران افراد مسلح ناشناس قرار گرفته و کشته شدند.

• به گفتهٔ مقامات محلی، در نتیجه انفجار ماین کنار جاده در روستای "کبابی" ولسوالی پشت رود ولایت فراه، سه تن کشته و زخمی شدند.

• صحن اداره ولایت غزنی، در حالی که محفل "عدد چهل" مربوط به جشنوارهٔ نهایی غزنی ۲۰۱۳ در آن جریان داشت؛ مورد اصابت سه فیر راکت قرار گرفت. این حادثه درست زمانی رخ داد که محفل "عدد چهل" برای نهایی ساختن مقدمات جشنواره غزنی ۲۰۱۳ در تالار کنفرانس های مقام ولایت غزنی در جریان بود. به گفتهٔ رسانه ها، یکی از راکت ها درست در صحن ولایت در حالی اصابت کرد که محمدعلم ایزدیار، معاون مجلس سنای کشور در حال سخنرانی در این محفل بود. راکت دیگر در نزدیکی فرماندهی پولیس ولایت غزنی و سومی در حوالی ساختمان ادارهٔ دادستانی استیناف این ولایت اصابت کرده است. عمر داوودزی وزیر امور داخله، سیما سمر رییس کمیسیون حقوق بشر، معاون مجلس سنای کشور و شماری از اراکین بلندپایهٔ دولتی از جمله والیان چند ولایت حضور داشتند. به گفتهٔ فرماندهٔ پولیس غزنی، در این راکت پراگنی به کسی آسیبی نرسیده است.

۵عقرب:

• بر اثر تصادم یک موتر عروسی با ماین کنار جاده ای در ولایت غزنی، ۱۸ تن کشته شدند و پنج تن دیگر جراحت برداشتند. این حادثه در قریهٔ صاحب خان ولسوالی اندر غزنی به وقوع پیوسته است.

• بنا به گفتهٔ مقام های محلی در ولایت بادغیس، در نتیجه درگیری میان طالبان مسلح و نیروهای سرحدی در منطقه موریچاق ولسوالی بالامرغاب در ولایت بادغیس، به شمول معاون والی نام نهاد طالبان در این ولایت هفت تن کشته شدند.

• به نقل از خبرنامهٔ وزارت دفاع ملی؛ در منطقهٔ احمدشاه بابا مینهٔ کابل در مقابل موتر منسوبین وزارت دفاع انفجاری رخ داد که در نتیجه آن یک دختر ۷ ساله کشته و ۵ تن از منسوبین ارتش ملی زخمی شدند.

• دفتر مطبوعاتی ریاست عمومی امنیت ملی، از دستگیری چهار تروریست از جمله دو تروریست پاکستانی در ولایت ننگرهار خبر داده است. عبدالرازق و فضل نبی از اتباع کشور پاکستان می باشند که توسط گروه های تروریستی مستقر در کوهات پاکستان بعد از فراگیری تعلیمات نظامی برای انجام فعالیت های تروریسیتی به ولایت ننگرهار اعزام شده بودند. این افراد از منطقهٔ گوگاه مندو شاهراه کابل - جلال آباد بازداشت شدند. در اقدام جداگانهٔ دیگر، مؤظفین امنیت ملی در ولایت ننگرهار دو تن از تروریستان را به نام های اکرام الله و بدرالدین از اهالی ولسوالی رودات این ولایت بازداشت کردند. این افراد قصد داشتند، قوماندان پولیس محلی ولسوالی شیوهٔ ننگرهار را ترور کنند که قبل از رسیدن به هدف خویش، شناسایی و دستگیر شدند.

۶عقرب:

• شخصی که ماین ریموت کنترول جاسازی شدهٔ وی، بالای موتر عروسی در ولسوالی اندر ولایت غزنی انفجار کرد، عصر دیروز، و در ولسوالی اندر، ۱۸ کشته و ۱۴ زخمی که شامل زنان نیز بود، بجا گذاشت، توسط مردم به قتل رسید. سارنوال هیبت شاه بزرگ قوم و باشندهٔ منطقه به رسانه ها گفته است که مردم منطقه بعد از انفجار، شخصی را در یک باغ نزدیک، همراه با ریموت کنترل بازداشت کردند و بعد از لت و کوب مردم خشمگین، جان داد.

۷عقرب:

• چند انفجار پیهم در تانکر های نفت، آتش سوزی بزرگی را در شهر چاریکار مرکز ولایت پروان به بار آورد. گفته می شود این آتش سوزی خسارات هنگفتی را به دکان ها، خانه ها و موتر ها وارد کرده است. بنا به گفتهٔ لطف الرحمن رشاد مدیر مبارزه با جرایم جنایی قوماندانی امنیهٔ ولایت پروان به رسانه ها، این انفجار ها در شهر چاریکار کار دشمنان مردم افغانستان می باشد.

• در خبرنامهٔ دفتر مطبوعاتی ریاست عمومی امنیت ملی آمده است، یکتن تروریست به نام مدین فرزند ځرگند باشنده اصلی وفعلی ولسوالی پتان ولایت پکتیا که مصروف انجام فعالیت های تروریستی و تخریبی و ماین گذاری در مربوطات ولایت پکتیا بود توسط مؤظفین امنیت ملی دستگیرگردیده است.

• به گفتهٔ ولسوال "کوه صافی " به رسانه ها، بر اثر اصابت یک فیر راکت به یک مکتب دخترانه در ولسوالی "کوه صافی" ولایت پروان، یک تن از محافظین این مکتب زخمی شد.

• به قول مقام های محلی در ولایت لوگر به رسانه ها، حدود ده کارمند ادارهٔ امنیت ملی این ولایت را به اتهام دست داشتن در قتل والی پیشین لوگر بازداشت کرده‌اند. ارسلا جمال والی پیشین لوگر هنگام سخنرانی پس از نماز عید قربان در انفجار بمبی در مسجد جامع شهر پل علم، مرکز ولایت لوگرجام شهادت نوشید. محمدهاشم فیضی، سرپرست ولایت لوگر به رسانه ها گفته است که یکی از مدیران ادارهٔ امنیت ملی و فرمانده گروهی ظاهراً خودجوش، که علیه گروه طالبان اقدام مسلحانه کرده بود، نیز در میان بازداشت شده ها می باشد.

۸عقرب:

• در خبرنامهٔ دفتر مطبوعاتی ریاست عمومی امنیت ملی گفته شده که، اسامی رحمت الله مشهور به روشان فرد انتحاری که تعلیمات انتحاری و انفجاری را برای مدت سه ماه در وزیرستان پاکستان توسط استادان پاکستانی وعربی فرا گرفته و قصد انجام حمله انتحاری را با استفاده از یک پایه کمپیوتر لب تاب مملو از مواد انفجاریه بالای اراکین بلند پایه ولایت کندهار داشت، قبل از انجام حمله انتحاری بالفعل با کمپیوتر مملو از مواد انفجاریه توسط منسوبین ریاست عمومی امنیت ملی دستگیر گردید.

در کنار برج عزت...

و ... با این که در کشور ما، ده ها پادشاه و زعیم در برابر قدرت سیاسی، برادران و پسران کاکا و کاکا و فرزندان آنها و حتی فرزندان خود را قربان کرده اند و یک قدم از قدرت سیاسی و زعامت کشور، انحراف نکرده و تا پایان جان در حفظ قدرت سیاسی کوشیده اند و ... اما رهبر شهید در فیصلهٔ بُن با اشتراک همه نیروهای وطنی بشمول نماینده گان دولت اسلامی، حاضر می شود تا قدرت سیاسی را داوطلبانه به فرد منصوب در فیصله نامهٔ بُن بسپارد و طی مراسم در شهر کابل، جریان مسالمت آمیز تحویل دهی قدرت را به نمایش بگذارد...

واقعاً شگفت انگیز است که مردی با این بزرگی و عظمت، قدرت سیاسی به دست خویش به زمامدار بعدی تحویل می دهد و بعد از آن طوری که باز هم در تاریخ دنیا و بخصوص در کشور ما دیده نشده به حیث رهبر سیاسی یک حزب، در جامعه می ماند و مردم را به راه خیر و عزت و احترام به قانون، هدایت می کند! اینست راه بزرگ و پر عظمت این مرد با شکوه و این است قلهٔ پر افتخار عزت افغانستان!

۵- شهادت و مو سفیدی:

رهبر جهاد و رئیس جمهور اسبق کشور، همه محاسن خود را در راه خدمت به اولاد کشور، در راه خدا و برتری نام خدا و فلاح و سعادت کشور ما سفید کرد... در بسی از میدان های نبرد جهاد حضور یافت... در بسا مورد، از سوی دشمنان بی دین، هدف سوی قصد قرار گرفت ولی تقدیر الهی چنان بود که پیر و موسفید شد و حتی لحظهٔ از کار و مبارزات دست نکشید و واقعاً در جریان کار و خدمت، خستگی ناپذیر بود! ما به خوبی می دیدیم که در جریان بحث ها و بررسی ها، چگونه خسته می گردید و همواره بحث ها را ادامه می داد... ما در اکثر موارد به صحت و خستگی او توجه داشتیم و خود ما، پایان بحث ها را با اجازهٔ ایشان اعلام می داشتیم... رهبر شهید، تا چه اندازه به برقراری صلح و امنیت در کشور ما علاقه داشت. و چگونه از هر فرصت برای ادامهٔ راه صلح استفاده می کرد... او بود که در همه مسایل و مذاکرات صلح شریک بود... او بود که قبل از قدرت و بعد از امرار قدرت سیاسی، در همه حال، در حال قوت و پیروزی و در حال ضعف و عقب نشینی، همواره از صلح و مذاکرات سخن می گفت و به هر ندا و هر دعوت لبیک می گفت... در جلال آباد، در اسلام آباد، در عشق آباد، در تاشکند، در طایف... در هر میدان وارد مذاکرات صلح می شد... او بود که در همه حال به هر صورت، صلح را بر جنگ ترجیح می داد و سرانجام بخاطر بقای افغانستان واحد و تجزیه ناپذیر به منظور حفظ وحدت ملی و در آرمان صلح و همزیستی مصالحت آمیز همه افراد کشور، حاضر شد تا ریاست شورای عالی صلح را با وجود مخالفت های یک عده از برادران جمعیت اسلامی بپذیرد و بار بزرگ این مسؤولیت تاریخی را بدوش بکشد... او بود که شرق و غرب، شمال و جنوب کشور را نه تنها یکسان بلکه، علاقهٔ زیادی به مردم مشرقی و جنوبی داشت و ما پیروان و هم راهان او بارها این علاقه را بخصوص در مردم کنر، لغمان، نورستان، پکتیا و پکتیکا از او دیده ایم... او راه صلح را انتخاب کرد و همواره می گفت که دشمنان ما دشمنان اسلام است، همیشه ادعا کرده و علیه ما تبلیغات کرده اند گویا من از شمال کشور ام و باید مردم شرق و جنوب کشور توسط خارجی ها و داخلی ها سرکوب شوند من به میدان صلح آمده ام تا مدافع مردمان شرق و جنوب باشم! من به یک زبان تعلق ندارم و چی زیبا بود که به زبان پشتو تکلم می کرد و چی دلنشین بود که اشعار عربی را به زبان می آورد...

برج عزت افغانستان، رمز و بقا و استواری افغانستان، پاسدار عزت همه اقوام و همه زبان های کشور و احیا کنندهٔ همه قوت ها و عظمت مردمان کشورما بود. این برج عزت و عظمت تاریخ کشور ما، این رمز پویندهٔ همه ملت های منطقه و پیوند دهنده مسلمانان دنیا و نور چشم اسلام به جاویدانه گی رفت و پس از دو سال رحلت او، نام و خاطره های این برج عزت را گرامی می داریم.

شهید...

او د خواښېنې لامل گرځي،چې دا اړخ د ټېري په اتلانو او د "شهېد" په قاتلانو پورې اړه لري؛ځکه چې د ټولنې وگړي پر داسې جنایتکارانو له اوریدو ډېره وکړي؛لکه چې وینو، د "یزید" او "ابن زیاد" او په شان یې نور نومونه داسې شوي،چې په عمل کې هر څوک ورسره له کوچنۍ ورته والي ډډه کوي.

بل عبرت،چې ټولنه یې باید واخلي،دا دی،چې په ټولنه کې بیا هم هغې لارې چارې پیدا کېږي،چې "شهادت" ایجابوي؛نو د "شهېد" دا باتور عمل باید ښکاره او وویل شي او له هغه ځایه، چې په شهید پورې تړاو لري او یو ځانخبری ،تاکل شوی او پرې نهٔ تپل شوی عمل دی او د خلکو احساسات دهغه "شهېد" د شکل،رنگ او احساس په شان شي. دلته وایو،چې پر "شهېد" وېر په زوړرتوب زېږنه کې یې گډون او له روح سره یې همغږي او له خوښۍ او نشاط سره یې موافقت او په څپه کې یې حرکت دی؛نو دلته باید ووینو، هغه جشنونه،خوشحالۍ،نڅاگانې،د شرابو څښل او بدمستۍ،چې د مسیحیانو په مذهبي جشنونو کې کېږي،ایا هم شکلي،هم رنگي او هم احساسي راوړي که ژړا؟

معمولا د ژړا په هکله تېروتنه کوي او انگېري،چې ژړا تل له یو ډول درد او خپگانه رامنځ ته شوې او په خپله ژړا نامطلوب چار دی.ژړا او خندا د انسان له ځانگړنو دي. نور ځاروي خوند او کړاو لري،خوشحالي او خپگان لري؛خو ژړا او خندا نهٔ لري.ژړا او خندا د انسان د سختو احساساتو ښکارندوی ده.څه چې ورته نن سبا((احساسات)) وایي، د انسان له ځانگړنو دي او ژړا او خندا د انسان د سختو احساسي حالاتو ښکارندوی ده.

خندا څو ډوله ده،چې نهٔ غواړم د ډول ویینې ته یې ورننوځم. ژړا هم څو ډوله ده. ژړا تل له زړهٔ سوي او هیجان سره وي.د مینې او ولولې اوښکې ټول پېژنو. انسان د ژړا پر مهال، له بل هر حالته ځان هغه محبوب ته نژدې احساسوي،چې ورته ژاړي او په حقیقت کې هماغه حال دی،چې ځان له هغه سره یو لاس گڼي. خندا او خوشحالي زیاتره دننني اړخ لري او ژړا زیاتره له ځانه د بهر راوتنې،د ځاني هېروني او له محبوب سره د یو کېدو اړخ لري؛نو خندا له دې نظره د "شهوت" په څېر ده،چې په ځان کې ننوتنه ده او ژړا د مینې په څېر ده،چې له ځانه بهر وتنه ده.

"امام حسین" د خپل شخصیت له امله او پهاتلانه "شهادت" د میلیونو انسانانو د زړونو او احساساتو خاوند دی. که دیني مبلغین وکړای شي له دې سترې زېرمې له ستر "حسیني روح" سره د خلکو د ارواحو په هم رنگه کولو،همشکله کولو او هم احساسولو کې په سمه توگه گټنه وکړي؛نو نړۍ به اصلاح شي.

د "امام حسین" د پاینښت راز دا دی،چې خوځښت یې له یوې خوا منطقي دی،عقلي اړخ لري او د منطق له خوا یې ملاتړ کېږي او بلخوا د احساساتو او عواطفو بیخ او تل ته یې لار موندلې ده. امامانو پر "امام حسین" د وېر خورا سپارښتنه کړې ده.

دا ژړا گانې دي،چې د "امام حسین" خوځښت د خلکو د زړونو تل ته ورننباسي. بیا وایم: په دې شرط که دیني مبلغین پرې پوه شي،چې څرنگه ترې گټنه وکړي.

دل بسی خون به کف اورد ولی دیده بریخت
الله الله که تلف کرد و که اندوخته بود؟

ادامه لري

هفته نامهٔ
وآنان که در راه ما با جان و مال جهاد کردند محققاً آنان را به راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم
مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

●مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
● مطالب آمده مسترد نمی گردد.
● آرا واندیشـــه هـــای مقـــالات غیـــر از ســـرمقاله لزومـــاً مبـــین آرا ومواضـــع جمعیت نیست.

شعار ما
رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا
از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم –سال دوازدهم – شمارهٔ سی ام ۱۱ عقرب ۱۳۹۲ ۲۸ ذوالحجه الحرام ۱۴۳۴ - 2 Nov 2013

په عراق کې روانې نا امنی، اسلامي امت ته د خطر زنګ دی

◈ زهیر افغان

عراق د اسلامي امت د وجود یو مهم غړی دی خو له بده مرغه چې د شلمې پېړۍ په وروستۍ نیمایې کې ددې هیواد واکمن بعثي رژیم او په سرکې یې د صدام حسین مغرورې واکمنۍ او احمقانه کړنو دغه هیواد د ځان وژنې هغې کندې ته ټیل واهه، چې د صدام حسین د بې ځایه غرور لامله ورته امریکا کندلې وه. او پدې ترتیب د یوې سپیرې د وژلو په بهانه ځواکمن عراق د بدمرغیو او ناورینونو کوربه شو.

په عراق باندې د امریکا د یرغل لپاره د صدام حسین لخوا په (کردستان) او (حلبچه) کې په شیعه وګړو او په اسلامپالو سنیانو باندې پرله پسې ظلمونه او شکنجو هواره کړې وه او په ټوله کې د سوسیالستي رژیمونو لخوا په ولس دښمنۍ ولاړو دیکتاتوري کړنو د عراقي ولس ځینې پرګنې دې ته اړ کړې وې چې د مغرور دیکتاتور واکمن څخه د خلاصون لپاره د امریکا ترحم (؟) وغواړي. او بالاخره خبره دې ته ورسیده چې په عراقیانو هغه ټوقه وشوه چې له بارانه پاڅېده او له ناوې لاندې کښېناسته او د امریکا د ولسواکۍ پلوۍ جذبې ورته هغه تحفه(؟) ورکړه چې نه پکې شیعه په امن دی او نه سني، او نه پکې عربي په امن دی او نه هم کردي؛ بلکې دکورنیو جګړو لامله نن دغه هیواد په حقیقت کې دریو هیوادونو ته ویشل شوی دی؛ چې یو کردي عراق دی، بل شیعه او دریم هم سني عراق.

عراقیانو چې کله د امریکا له عراقي ولس سره د خواخوږۍ (؟) جذبه ولیده نو عقل یې سرته راغی او د خپل پارلمان له لیارې یې دغه دوستي او د امریکایې هڅو غوښتنه رد کړه خو له وتلو وروسته یې هم لا ترخې ګالې او په عراقي ولس کې د امریکا د یرغل لامله رامینځته شوې دښمني دومره ژوره شوې چې هره ورځ یې عراقیان باج ورکوی؛ په لسګونو انسانان پکې د ماینونو او ځان وژونکو عملیاتوله لیارې وژل کیږي؛ کله سني وګړي په خپلو جوماتونو کې او د جوماتونو مخې ته تارګټ ګرځي او کله شیعه وګړي په حسینه او امام بارګاه ګانوکې دچاودنو تلفات ګرځي. چې په روان کې ښایې داسې ورځ به نه وي تېره شوې چې په عراق کې د نا امنۍ یوه پېښه نه وي رامینځته شوې. د راپورونو له مخې یوازې په تېره میاشت کې اته دېرش داسې درنې حملې او انفجارونه پدې هیواد کې ترسره شوي چې هر یو یې په لسګونو تلفات لرل او د ملګرو ملتونو د اټکل له مخې د روان میلادي کال په دوران کې تر اوه زرو زیات وګړي د ماینونو او بمونو په چاودنو وژل شوي دي،کوم کار چې بالاخره د (مکین) په څېر د امریکایې سناتورانو پام هم دې موضوع ته راواړوه. خو د اسلامي امت نماینده کنفرانس (وېده اسلامي کنفرانس) او مطرح هیوادونه لکه سعودي عربستان او ایران لا تراوسه دې ګواښ ته خپل پام نه راګرځوي، ترکیه، پاکستان او مصر چې د اسلامې هیوادونو نور مطرح هیوادونه دي، ځینې یې لکه ترکیه هم له دغه هیواد سره یو څه ستونزې لري او له بلې خوا لکه د نورو دوه وو هیوادونو په څېرهغه هم په خپلو خولو کې ډوب دی لکه چې افغانستان هم په خپلو خولو کې ډوب دی. او پاتې اسلامي نړۍ هم، ورته وضع لري لکه تونس، لیبا، سوډان، بنګله دیش او نور. خو هغه چې حقیقت دی هغه دادی چې کله هم ځانځاني غوره شي، بیا هر څوک ځانته په اورکې سوځیږي؛ که عراق په افغانستان باندې د شوروي د یرغل په نتیجه کې د ظالم او دیکتاتور واکمن لرلو لامله د افغانستان په ولس تېریدونکو ربړو باندې نه خبریده او نن د هماغې بې تفاوتۍ سزا ویني، که څه هم عراق یوازې د صدام کور نه وو او یا ټول ولس یې د بعثي رژیم په واکمنۍ خوښ نه وو او نه افغانان ځانونه د عراقي مسلمان ولس په ناورین او بد حالت بې تفاوته ګڼي خو ایران او سعودي پدې اړه له بل هرچا دروند مسوولیت لري او ورته پکار ده چې په سوریه کې روانه وضع د خپل پام یوازینې محور ونه ګرځوي او په ځانګړې توګه ایران باید درک کړي چې که صدام حسین عراق د اور په کنده سر کړ نو (نور مالکي) او (بشار الاسد) به هم له داسې انجام سره مخ شي چې بیا به یې تاؤ سعودي او ایران دواړو ته رسیږي خو اسلامي امت به پرې رنځیږي.

دامریکا او ((ادوارد سنودن)) سره جګړه

☐ شفیق

لـه نـږدې درېـو میاشـتو راهیسـې دامریکـا داسـتخباراتي ادارې (سـی ایـې ای) د زاړه قـراردادي مـامور ((ادواردسـنودن)) لخـوا د امریکـا جاسوسـي پروګرامونـو څخـه دپـردې پورتـه کولـو پـه سـر رامینځتـه شـوې دنومـوړي او دامریکـا هېـواد تـر مینځـه سـره جګـړه،د ترهګـرۍ(؟) پـرخلاف لـه هغـې جګـړې څخـه کمـه نـده چـې دیوېشتمې پېړۍ په سر کې یې امریکا اعلان کړه او لا تراوسه دوام لري.

(سـنودن) چـې کلـه دامریکـا داسـتخباراتي فعـالیتونو پـه لړکـې لـه هغـه حقیقـت څخـه پـرده پورتـه کـړه چـې د امریکـا هیـواد د نـړۍ د ملیونونـو وګـړو شخصـي تېلېفـوني او موبـایلې مکـالمې او سـایټونه څـاري، نـو دغـه کـار لکـه اوردخپرېـدو پـه څېـر دنړیوالـو پـام ځانتـه راواړاوه؛ پـه اغـاز کـې ښـایې ډېـرو دا حقیقـت نـه مانـه او دسنودن څرګنـدونې یـې دومـره مهمـې نـه ګڼلـې، پداسـې حـال کـې چـې سـنودن دبشـري حقونـو څخـه د ملاتـړي پـه توګـه داسـې یوکارتـه تـن ورکـړ چـې د نومـوړي امنیـت تـه سـتر ګـواښ دی او اسـتخباراتي ډګـر کـې دکـارکوونکو دا ډول اقـدام ډېـره درنـه سـزا لـري خوښـایې د هغـه انسـاني ضـمیر نـور نومـوړی دې تـه اړ کـړی وي چـې لـه داسـې حقایقوڅخـه پـرده پورتـه کـړي؛ ځکـه امریکـا چـې ځـان د لبرالیـزم مفکـورې، دموکراسـۍ او پـانګوال اقتصـادي سیسـتم لـه ټولـو پیـاوړی او داعیـه لرونکـی هیـواد ګڼـي او د دغـو فلسـفو پـه ځانګړتیـاو او متعقـداتو کـې داشـته چـې وګـړي بایـد لـه خپلـو طبیعـي حقونـو او پـه ځـانګړې توګـه د ازادۍ د حق لـه ټولـو ډولونـو څخـه بـرخمن وي چـې لـه هغـو څخـه یـوهم د خلکـو د تیلفوني مکـالمو او مراسـلو خونـدېتوب هـم دی، څنګـه بیـا ځانتـه داحـق ورکـوي چـې د هرچـا مکالمـه او مراسـله پـه اسـتخباراتي څـارنې سـره وڅـاري او دامنیتـي تـدابیرو سـاحه دومـره پیـاوړې او پراخـه کـړي چـې دعـامو وګـړو او ان تـردې چـې د هیوادونو د مشرانوهم په خپلو هیوادونو کې څارنه وکړي.

چـې داپـه ښـکاره توګـه دبشـر دحقونـو دکنوانسـیون مخالفـت دی او دامریکـا پـه څېـر یوپیـاوړي او پـه دموکراسـۍ معتقـد(؟) هیـواد لپـاره تـردې بریـده د خلکود ازادو سانسورول په نړیواله کچه یې اعتبار ته زیان رسوي.

خوهغـه مهـال دې حقیقـت تـه د نړیوالـو پـام زیـات شـو چـې د هغـه مشـهور متـل لـه مخـې، تـاکو هلـه خولـه ولګولـه چـې کلـه یـې د مـلا غـوا هـم وخوړلـه؛ یعنـې دالمـان دصـدراعظمې انګـي لا مېرکـل او د فرانسـې او ځینـو نـورو هیوادونـو لـومړنۍ درجـه مشـرانو تېلفوني مکـالمو څـارنې هـم ثـابتې شـوې؛ چـې پـه تېـره اونـۍ کـې دځینـو اروپـایې هیوادونـو پـه سرمشـریزه کـې پـدې موضـوع د نظریـاتو تبادلـه هـم وشـوه او خبـره دې تـه ورسـیده چـې دالمـان صـدراعظمې د (اوبامـا) سـره پـدې اړه اړیکـه ونیولـه او هـم دفرانسـې هیـواد لخـوا یـو پـلاوی امریکـا تـه ورسـیده او لـدې مخکـې یـې دامریکـا سـفیر پـه خپـل هیـواد کـې د موضـوع د وضـاحت لپـاره احضـار کـړی وو. چـې لاملـه یـې د امریکـا دامنیتـی ادارو مسـؤلینو پـه یـو مطبوعـاتي کنفـرانس کـې پـدې حـق لرلـو ټینګـار وکـړ او دایـې دامنیتی چـارویو معمـول وګاڼـه او زیاتـه یـې کـړه چـې د نـړۍ پـه ټولـو هیوادونـو کـې داسې څارنه تر سره کیږي او دا یوه امنیتي اړتیاده

اوس پوښـتنه داده چـې کـه چېـرې یـوغلط کـار نـور څـوک ترسـره کـوي، ایـاد هغـه کړنـه د غلط کـار صـحت ثـابتولاې شـي او جـواز ورکـولاې شـي؟ او کـه چېـرې داسـې وي نـو بیـا د هیوادونـو پـه اساسـي او نوروعـادې قوانینـوکې د ازادۍ د ډولونـو او دموکراسـۍ کلمـې لیکـل یـو عبـث کـار دې او دا یـوبې مفهومـه او بـې مصداقه کلمـې دي چـې بایـد نـور د انسـانانو وخـت پـرې ضـایع نشـي. او پـه ځـانګړې توګـه د نـړۍ پـه سیاسـتونو کـې د دوسـت او دښـمن تـوپېري دیوالونـه او پرېنیـاد یـې دانسـانانو دوژلـو روانـه ډرامـه څـه معنـا لـري چـې پـه صـف کـې ورسـره د ولاړو هیوادونـو پـر خـلاف هـم داسـې بـدګمانۍ شـتون ولـري؛ چـې ان تـردې چـې د هیوادونـو د لومړنیـو درجـو مسـوولینو (ولسمشـرانو او صـدراعظمانو) مکـالمې او مراسـلې هـم وڅـارلی شـي؟ او کـه داکـار ترسره شي نو دګډو موخود تحقق په لیارکې لکه د ترهګرۍ(؟) پـرخلاف روانـه جګـړه او مبارزه کـې بـه د مشارکت جذبـه او لامل یـې څـه پاتې شي او ایـا لـدې وروسته بـه هـم، نړیـوال د امریکـا پـه نغـاره دوسـت تـه دوسـت او دښـمن تـه دښـمن ووایـې؟ ځکـه دوستي او بـاوردواړه یـو د بـل پـه ډېرولـو او پیـاوړې کولـوکې اغیـز لـري او کـوم کـار چـې بـاور لـه مینځه وړي دوستي هم له مینځه وړي

نـو معلـوم شـي چـې دامریکـا امنیتـی مقامـاتو پـه خپـل دا ډول اسـتخباراتي څـار بانـدې ټینګـار، نړیوالـو تـه څـه پېغـام ورکـوي او دامریکـا او (ادواردسـنودن) روانـه سـره جګـړه بـه څـه پایلـه ولـري، چـې پـه مسـکو کـې یـې پنـاه اخسـتې ده او دخپـل دغـه کـار پـه ترسـره کولـو سـره یـې دیـوې اروپـایې جـایزی لپـاره د نومانـدۍ تـر بریـده هـم اسـتقبال وشو

شنود و ضبط مکالمات توسط امریکا!

☐ مصباح شعیب

در این اواخر زمزمـه هـا و تحلیـل و تبصـره هـایی سـرخط رسـانه هـای برخـی کشـور هـای جهـان قـرار گرفتـه اسـت کـه سـازمان اسـتخبارات امریکـا چنـدین سـال اسـت تمـاس هـای مخـابراتی سـران برخـی کشورها را شنوده و یـاهم ضـبط کـرده اسـت. بیشـترین بـر سـر شـنود تلفـن هـای آنگـلا مرکـل صـدراعظم آلمان جنجال بر پا کرد که بنـا بـه گـزارش رسـانه هـا، از یازده سال بدینسو در جریان بوده است.

بعد از پخش خبر شـنود تلفـن هـای انگـلا مرکـل، رسانه های اسپانیایی خبر دادنـد کـه بـه تـازگی و تنهـا در یـک مـاه، سـازمان امنیـت ملـی آمریکـا شصـت میلیـون تمـاس تلفنـی در اسپانیا را زیـر نظـر داشـته اسـت. ایـن خبـر پـس از آن منتشـر مـی شـود کـه در روزهـای گذشـته خبـر شـنود و ضـبط مکالمـات دیپلمـات هـا، تجـار و مظنونـان عملیـات تروریسـتی در آلمان و فرانسه برای آمریکا دردسر ساز شده بود.

پیش از این، شـبکهٔ ایـران در جـوزای سـال جـاری در گزارشـی بـه نقـل از گـاردین بـه ابعـاد گسـترده شنودهای آژانس امنیت ملی امریکا پرداخته بود.

بـر اسـاس مجموعـه‌ای از گزارشـات و فایـل هـای محرمانـه دولتـی فـاش شـده، آژانـس امنیـت ملـی آمریکـا در مـاه ژانویـه سـال جـاری میـلادی ۱۲۵ میلیـارد تمـاس تلفنـی را در سراسـر جهـان از جملـه افغانسـتان، پاکسـتان، اردن و ایـران مـورد شـنود قـرار داده اسـت و اکثـر ایـن شـنود در خاورمیانـه و حـدود ۳ میلیـارد مـورد نیـز در خـود آمریکـا صـورت گرفته است.

روزنامـه «هنـدو» نیـز طـی گـزارش از ایـن راز پـرده برداشـته بـود کـه، هنـد دیگـر کشـوری بـود کـه بیش از یک میلیارد از تمـاس هـای تلفنـی ایـن کشـور شنود شده است.

به گـزارش رسـانه هـا، شـبکه ایـران، "کریپتـوم"، سایتی که اسناد دولتی و شـرکت هـا را پسـت مـی‌کنـد گـزارش داده اسـت کـه آژانـس امنیـت ملـی آمریکـا، ۲۱٫۹۸ میلیـارد تمـاس تلفنـی را در کشـور افغانسـتان، ۱۲٫۷۶ میلیـارد تمـاس تلفنـی در پاکسـتان، ۷٫۸ میلیـارد تمـاس تلفنـی در عـراق، ۷٫۸ میلیـارد تمـاس تلفنـی در عربسـتان سـعودی، ۱٫۹ میلیـارد تمـاس تلفنـی در مصـر، ۱٫۷۳ میلیـارد تمـاس تلفنـی در ایـران و ۱٫۶ میلیـارد تمـاس تلفنـی در اردن را بـه صـورت مخفیانه مورد شنود قرار داده است.

روزنامـه عـرب نیـوز چـاپ عربسـتان سـعودی نیـز گـزارش داده اسـت کـه در افغانسـتان حـدود ۲۲ میلیـارد مـورد شـنود توسـط ادارهٔ اطلاعـات ایـالات متحدهٔ امریکا انجام شده است.

با این همـه دغدغـه هـا و سروصـداها، کـاخ سـفید ادعاهایی مبنی بـر جاسوسـی از تمـاس تلفنـی «آنگـلا مرکـل» صـدراعظم آلمـان و ۳۶۱ میلیـون تمـاس تلفنـی شـهروندان آلمـانی را رد کـرده اسـت. همچنـین «جیمز کلاپـر» مـدیر اطلاعـات ملـی آمریکـا گـزارش «لوموند» را رد کرد که گفتـه بـود آژانـس امنیـت ملـی آمریکـا از ۷۰ میلیـون تمـاس تلفنـی در فرانسـه جاسوسی کرده است.

ص۵